

# درگیریهایی دو جناح هیئت حاکمه و پیام آیت الله خمینی

زحمتکشان و غناورده‌ها پشان را بسیار نیا زهای اولیه زندگی محرومندقیمت یک کیلو گوشت بمرا تبا از دستزدروزانه یک کارگراست. هم اکنون بیکاری که به مرز چهار میلیون نفر میرسد زندگی بسیاری از زحمتکشان را به فلاکت و تباهی کشانده است.

بقیه در صفحه ۲

بها رجیدی فرارسیده است. توده‌های زحمتکش میهن ما، زندگی و مبارزه خود را در سال جدید در شرایطی آغاز می‌کنند که فشارهای طاقت فرسا و فوق‌العاده‌ای را بر دوش خود احساس می‌کنند. فشارهایی که در مقایسه با یکسال پیش همیزان وحشتناکی فزونی یافته است. گراشی پیدا می‌کند و

## بازگشائی دانشگاهی مردمی، آزاد و شورائی خواست مردم ایران است

حاکمیت در نقشه‌اش مبنی بر بستن دانشگاهها موفقیت چندانی نداشته و ظرف بازده ما می‌که از بستن دانشگاهها میگذرد به برنا مسئله "انقلابی" ارائه کرده و نه جوابی به مردم داده است. دیگر اینک فشارهای مردم و نیروهای مترقی برای بازگشائی دانشگاهها حاکمیت را وادار کرده و وعده با زکردن دانشگاهها را ولو با شرط و شروطی بدهد.

بقیه در صفحه ۱۵

بخشی از پیام نوروزی امسال آیت الله خمینی به مسئله دانشگاهها مربوط میشد. همه با طرداریم که بورش به دانشگاههای سراسر کشور در فروردین ماه سال گذشته تحت عنوان عوام فریبانه "انقلاب فرهنگی" انجام گرفت بدنبال پیام نوروزی سال گذشته آیت الله خمینی بود. اما مضمون پیام امسال در مورد دانشگاهها نشان دهنده دو واقعیت مهم است: یکی اینکه

## ● پلنوم "اکثریت" وحدت با حزب توده را تصویب کرد

سرانجام پس از گذشت زمانی چند برده‌ها بگلی گنا ورده شدوگسائی که بر خردنام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران "اکثریت" گذاشته بودند تصمیم‌ها بی خود را مبنی بر وحدت تشکیلاتی با حزب توده گرفتند. همزمان با جدا تندی تعدادی از اعضا، اکثریتست در دو هفته اخیر، خبر مرز بود به تصمیم پلنوم اخیر جناح اکثریت مبنی بر وحدت تشکیلاتی با حزب توده که سوسی در پنهان تاکنون آن داشته، افشا شد. البته از مدتها پیش روشن بود که وحدت ایندولوزیک - سیاسی اکثریت با حزب توده مسئله وحدت تشکیلاتی را نیز بدنبال خواهد داشت. مسأله اکثریتی‌ها که طی یکسال گذشته بتمام معنی نقش یک شارلاتان سیاسی را بازی کردند، همیشه می‌گویند که این مسئله را از انظار هواداران نا آگاه خود پنهان دارند. و تمام طرحین مسائل را تا بیات "تاریخست‌ها" و "چپ‌روها" معرفی می‌کردند. این شبهه است که اکثریت در تمام طول مبارزه خود علیه جناح انقلابی سازمان اعمال کرد.

در این شماره:

- اخبار کردستان
- جنبش جهانی
- نگاهی به وضعیت طب و درمان
- مردم چه میکنند؟ مردم چه میخواهند؟

(صفحه ۹) ● طرح فعالیت  
"احزاب و جمعیتها و..."  
یا چماق بزرگ علیه  
سازمان‌های سیاسی

● درباره طرح  
طبقه بندی مشاغل  
(صفحه ۷)

نابود باد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی



# درگیریهای دوجناح هیئت حاکمه و پیام آیت الله خمینی

بقیه از صفحه ۱

با توجه به وخامت اوضاع اقتصادی و تعمیق بحران سیاسی و تشدید تضادهای و تناقضات اجتماعی و رشد بیسابقه جنبش اعتراضی توده‌ای زینکسور حدت تفاذهای دوجناح کوشش‌های بیوقفه و متمرکز حزب جمهوری اسلامی برای قبضه‌گامی دستگا‌ه دولتی و برکناری بنی‌مدراسوی دیگر، این توافقیها را از هر زمان دیگری شکننده‌تر و نا پایدارتر می‌پازد.

خمینی طبق روال همیشگی‌اش در عین دعوت دوجناح به سازش و مصالحه با یکدیگر و پشتیبانی ضمنی از حزب کوشید خود را مافوق تفاذهای دوجناح و انمودا خسته‌ها را به پیگیری خویش را حفظ نماید. خمینی که برای حفظ انبوهی و هاله مقدسش تاکنون علیرغم تائید حزب جمهوری، هیچگاه بطور روشن و آشکار از حزب پشتیبانی صریح نکرده و کوشیده خود را در تفرق دین جناح‌های حاکم بطرف نشان دهد، مسلم بود که در شرایط پس از ۱۴ اسفند که حزب پس از سخنرانی بنی‌مدراسوی در دانشگاه در رابطه با چماق‌داران و فاشیست‌ها بطور بی‌سابقه‌ای رسوا و بی‌اعتبار رگشته بود، نمی‌توانست بطور صریح و بی‌پرده از حزب حمایت کند. هرچند روند تفرق دوجناح با رئیس جمهوریه نقطه‌کاملاً بحرانی‌تر شده بود و بطور قطع و یقین با توجه به تبلیغات آشکار از حزب علیه بنی‌مدراسوی، سران حزب در ناامکنتی خویش بخمینی خواستار برکناری بنی‌مدراسوی و احداث قتل‌خواران تفویض پست ریاست کل قوا به شخص دیگری بوده‌اند، اما خمینی در چنان شرایطی بهیچوجه نمی‌توانست چنین مسئله‌ای را بپذیرد. پذیرش برکناری بنی‌مدراسوی از شرایط به‌فهمی و حمایت برپا ز حزب و از چماق‌داران و برابری لطمه شدید به توریته و بود. مضافاً اینکه برکناری بنی‌مدراسوی در انجمن نه تنها منجر به یک سلسله درگیری‌های اجتماعی میشد بلکه در رابطه با نفوذ و محبوبیتی که بنی‌مدراسوی در بین ارتش و فرماندهان و ارباب مومع نظامی ایران را در جنگ هرچه ضعیف‌تر می‌ساخت.

شایعاً می‌شود مورد قبول خمینی به

تحت نظام حکومتی جمهوری اسلامی توده‌های ستمدیده میهن‌مان هر روز بیش از گذشته از زاری و آوارگی و آوارگی و آوارگی زندگی یک انسان محروم میشوند. طبق آمارهای دولتی رقم‌آورگان جنگ که با بی‌خاستی و بی‌بختی‌های عظیمی دست بگریبانند به دو میلیون نفر رسیده‌است.

در کردستان جنگی که مدت‌هاست از جانب رژیم بر توده‌های خلق گرد تعمیل گشته‌است، همچنان ادامه دارد. ارتش و پاسداران از زمین و هوا نقاط مختلف کردستان را زیر آتش گرفته و گلوله‌ها باران می‌کنند. تاکنون هزاران تن از زنان و مردان کورده خاک و خون در غلطیده‌اند، هزاران خانه و مفا‌زه نابود گشته و هزاران کودک بی‌سرپرست شده‌اند و اکنون مفا‌ومت دولتی از خلق کرد و اردبیل را غوغوی جدیدی شده‌است.

هرمان رژیم جمهوری اسلامی امسال نیز مانند سالهای گذشته برای مردم بی‌پایه‌ها می‌شود که شکست مملو از ضایع و پند و اندرزهای بی‌فکرانه مردم را به تسلیم و رفا در برابر برتما مظلوم موجود اجتماعی دعوت می‌کند. در این بین پیام‌های نوآوری آیت الله خمینی قرار داشت که توسط سید احمد خمینی در نماز جمعه بهشت‌زها قرائت شد. مضمون این پیام همان مضمون قطعنامه‌های اخیر است که در اختلافات دوجناح مطلقاً هیئت حاکمه بود.

در قطعنامه‌های داده‌ای که خمینی در هفته آخر سال ۹۹ پس از مدت‌ها سکوت در برابر برکناری رئیس جمهور و سران حزب جمهوری اسلامی صادر نمود، دو جناح را به سازش با یکدیگر و کنار گذاشتن اختلافات دعوت نمود و ضمن ابقاء رئیس جمهور و دیگر سردمداران جمهوری اسلامی در پست‌های فعلی‌شان، هرگونه مصالحه و میثاق و سخنرانی را که به طرح اختلافات دوجناح بپردازد، ممنوع اعلام کرد.

این قطعنامه که بدنبال جلسه مشاوره طولانی‌ویی نتیجه بین بنی‌مدراسوی با زرگان، بهشتی، رفسنجانی و خرمی‌مندی و آرا که نظرات کتبی آنها به خمینی ما در گردید، هر چند توانست بطور موقت بر درگیری‌های دوجناح سران حزب و بنی‌مدراسوی را خنثی کند و این درگیری‌ها را به پشت پرده انتقال دهد و بظاهراً آتش بی‌موقتی بین دوجناح بجاد کند، لیکن برای مدت زمان زیادی قادر نخواهد بود جلوی درگیری‌های آشکار و خفیه بین این دو جناح را گرفته و مانع بروز تشدید اختلافات گردد.

این اولین بار نیست که دوجناح "میثاق وحدت بسته و تحت اشراف خمینی برای تخفیف اختلافات و جلوگیری از درگیری با یکدیگر بی‌مان می‌بندند. اما همچنانکه هر بار نیز مشاهده می‌شود، توافقی‌های عینی ای که دوجناح را روبروی یکدیگر قرار می‌دهد بی‌اثر است و گویا هر چه عربی‌تر رخ نموده و آشکارتر می‌گردد، بویژه آنکه در شرایط کنونی

سران حزب در مورد برکناری بنی‌مدراسوی پس از خاتمه جنگ و عدم امکان آن در حین جنگ که مدت‌هاست در مفا‌صل حاکم بر سرزبانهاست این مسئله را اشیات می‌کند.

بطور قطع و یقین حزب تلاش‌های مستمر خویش را برای تسخیر و قبضه کردن گام به گام دستگا‌ه دولتی همچنان ادامه خواهد داد. این روندی است که با توجه به موقعیت حزب و نقش خمینی در حمایت از حزب اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. کوشش‌های بنی‌مدراسوی گرفتار امتیازات موقتی نمی‌تواند سدی در برابر حزب برای قبضه دستگا‌ه دولتی ایجاد نماید. و با در نظر گرفتن فرمان و و بیایم خمینی که هرگونه میثاق و سخنرانی و مصالحه‌ای را برای بنی‌مدراسوی علیه حزب ممنوع نموده‌است، رئیس جمهور از امکانات مختلف و مساعده برای گسترش پایگاه توده‌ای خویش بی‌نیاز نخواهد ماند و بیایم وحدت و یقین با حزب در ازاد گرفتن امتیازات موقتی‌ش پیش به نفوذ و در میان توده‌ها لطمه زده و آزار دهنده و دروغین و جهش‌زده قریب‌کارش را در میان مردم آشکارتر خواهد ساخت.

پس از قطعنامه‌های داده‌ای و پیام نوروزی خمینی در گریه‌های ۱۴ اسفند بنی‌مدراسوی و حزب قبضه‌گامی تفرق می‌شود و این بهترین شکلی بود که خمینی می‌توانست جلوی هر چه رسوا شدن حزب جمهوری اسلامی را که در رابطه با چماق‌داران می‌هیتش کاملاً فاش شده بود بگیرد و قضیه را ماستمالی نماید.

پس از قطعنامه‌های داده‌ای که خمینی سیدان نگران آینده در گریه‌های است که بین دوجناح حریفان داشته و کل رژیم را با خطر مواجه می‌سازد. همچنین در آنها هیچگونه اشاره‌ای هم به خواست توده‌ها نشده بود و حتی خبری از زوده و وعیدها شکی آیت الله خمینی در گذشته بر مردم میدادند نبود که خود این امر بسیار نگرانی‌ناش و بی‌سازش از زهد رژیم جمهوری اسلامی در پاشی و فقر و فلاکتی است که زندگی توده‌های مردم را در بر گرفته‌است.

خمینی در پیام نوروزی خود امسال را بعنوان سال حکومت قانون اعلام نمود. اما توده‌ها دیگر پس از دو سال و اندی تجربه تلخ خود در دناک اقتصاد رژیم جمهوری اسلامی در می‌بند قانونی که خمینی از سخن می‌گوید، قانونی نیست که بیایم نگرانی‌ناش و آزار دهنده‌ها و محافظ منافع آنان باشد. این قانون قانون عتناق و شکنجه‌است، قانون ستم و استثماری و رگزاران، دهقانان و زحمتکشان است، قانونی که پامال کردن آزادی‌ها، سب و حقوق موکراتیک خلقهاست، قانون سرکوب توده‌ها و خلقهای تحت ستم است، قانونی که منافع سرمایه‌داران، زمینداران و تجار محترم است هر چند در پوشش و لفافه اسلام را نشود و بیایم با فرهنگان باشد.

\*\*\*\*\*

## استقلال - کار - مسکن - آزادی



# پلنوم "اکثریت" وحدت با حزب توده را تصویب کرد

بقیه از صفحه ۱

نزدیک به یکسال و نیم پیش هنگامی که برای اولین بار ما بنحوی مستند در یک نوشته درون سازمانی مطرح این مسئله پرداختیم که "کمیته مرکزی" در ایدئولوژی و سیاست کاملاً مسوی حزب توده، بنحوی اپورتونیسم و خیانت بنحوی منجلیاب و ورشکستگی پیش میروید و تشکیلات را نیز بدنبال خود می‌کشید، آنها فریب‌دار بر آوردند که این یک تهمت است. آنها در درون سازمان و در میان هواداران که به خط مشی انقلابی و سنتهای انقلابی سازمان ایمان داشتند تبلیغات وسیعی را آغاز نمودند و کوشیدند تا با واژگونی جلوه دادن حقایق و پرداختن دروغ‌های رنگارنگ، ما را "انحلال طلب" "انتخاب طلب" معرفی کنند. اما چگونه میتوانستند در جامعه‌ای که مبارزه حاد در جریان است، و توده‌ها هر روز با اندازه یکسال در گذشته آگاه می‌شوند، چهره راستین واقعیت در پشت ابهرهای تیره و تاریک پنهان ماند. با گذشت زمان هر روز جنبه‌های بیشتری از حقایق و صحت نظرات ما با ثبات رسید. ما علیرغم تمام فشارها و تضییقاتی که "کمیته مرکزی" در درون تشکیلات پدید آورده بود، همواره خود ادا می‌دادیم. پس از جدائی نهایی دو خط مشی انقلابی و اپورتونیستی و طرح مسئله اقلیت و اکثریت در سطح جامعه، آنها همچنان کوشیدند که مقاصد خائنانه خود را در پشت الفاظ و عبارات بچ و میان تهنی پنهان کنند. آنها ما را "انارشیست" "چپ‌رو" ... نامیدند. اما چه بسا که

روز مواضع آنها در عرصه ایدئولوژی و سیاست بیشتر افشاء شد و توده‌های هوادار بهینه دریا فتند که چگونه جناح اکثریت به طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش میهن ما پشت کرده است. جناح اکثریت بهمان منجلیابی سقوط کرده حزب توده، این حزب خیانت‌ساز از ازمدهتها پیش سقوط کرده بود. آنها به تعزیر و تمجید احمقانه و چاپلوسی‌های نوکرمانه نسبت به حاکمیت پرداختند. رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی را نمونه کامل یک رژیم انقلابی معرفی کردند. آنها از توده‌ها خواستند که از رژیم ضد انقلابی حاکم حمایت کنند، دست از مبارزه بردارند و به پرستی و ذلتی تن دهند. آنها مبارزه قهرمانانه خلقی کرد و دیگر خلق‌های تحت ستم ایران را ضد انقلابی معرفی کردند. آنها سازمان نهایی انقلابی را "انارشیست" "آلت دست سرمایه‌داران لیبرال" و ... نامیدند. آنها در مذاکرات محرمانه خود با نمایندگان سرمایه‌داران نظیر بهشتی قول داده بودند، که از زحمت و آتوریته سازمان در سطح جنبش توده‌های زحمتکش بنباع بورژوازی استفاده کنند. آنها قول داده بودند که با این اقدام خط‌های گذشته خود را جبران کنند. بهشتی و دیگر نمایندگان سرمایه‌داران به آنها مهلت دادند که در عمل این سرسپردگی خود را نشان دهند. اما جناح اکثریت در بدشراپی بی‌سره در پیروزی و آستان بوسی بورژوازی پناه برده بود. وحدت مبارزه طبقه‌ای در سطح جامعه و انعکاس آن در درون سازمان بسیاری از نقشه‌های خائنانه آنها را نقش بر آب کرد. توده‌های وسیع هواداران این جناح جنایتکار و سازشکار را طرد کردند و گروهی از اعضا اکثریت بنام جناح چپ اکثریت از آنها جدا شدند. اما خیانتکاران هنوز نام اکثریت سازمان چریک‌های فدائی خلق را با خود دیدگ می‌کشیدند. هنوز برخی از اعضا آنها تصور می‌کردند، آنچه در میان اکثریتی‌ها حاکم است، یک گرایش اپورتونیستی است و میتوان آنرا اصلاح کرد. آنها در انتظار برگزاری کنگره‌ای بودند که "کمیته مرکزی" قول آنرا به اعضا و هواداران خود داده بود. تا در این کنگره تکلیف تمام مسائل مسرود اختلاف روشن شود. اما بهشتی از برگزاری این کنگره مرزبندی خود را

با ما رکنیم - لنینیسم بی‌ایمان رساند، و بنام وظیفه‌اشترناسیونالیستی و روان‌نگاری ما رکنیم - لنینیسم - خلقی با شرایط کنونی!! خیانت خود را به طبقه کارگر و جنبش انقلابی میهن ما ن صریحاً اعلام داشت. اکثریتی‌های جناح راست که به وحدت کامل ایدئولوژیکی - سیاسی با حزب توده دست یافته بودند، به تازگی زمینه‌های وحدت تشکیلاتی با حزب توده پرداختند. بعضی برگزاری کنگره یک پلنوم تشکیل دادند و در این پلنوم مسئله وحدت تشکیلاتی بنام حزب توده را که قرار بود بعلت عدم آمادگی هواداران نشان فعلاً مخفی بماند، تصویب کردند. اکثریتی‌های جناح راست بخوبی واقف بودند که طرح مسئله وحدت تشکیلاتی با حزب توده در میان هواداران آنها مسأله‌ای را پیش خواهد آورد و همین اندک هواداران خود را نیز از دست خواهند داد، می‌خواستند با زهم با استفاده از شیوه‌های فریبکارانه خود در طی یک مدت هواداران خود را توجیه کنند و آنها را بدنبال خود بکشانند. اما افشای این تصمیم‌گیری و جدائی تعدادی از اعضا اکثریت، آنها را آچمز کرد. اکنون مسئله‌ای که برای این خائنین مطرح است اینست که چگونه مسئله وحدت تشکیلاتی با حزب توده را پیش ببرند. آنها بخوبی آگاهند که حزب توده بغا طر سابقه طولانی در خیانت به طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش مورد نفرت و انزجار هواداران توده‌هاست، بنا بر این آنها تلاش می‌کنند که مشترکاً با حزب توده یک سازمان سیاسی جدید بوجود آورند. اما آنها نباید بدانند همانگونه که نتوانستند بنا بر فداشی توده‌ها را بدنبال خود بکشانند تفهیم نام حزب توده نیز فا در نیست، توده‌ها را بسمت آنها جلب کند. اینک حتی برای عقب مانده‌ترین هواداران اکثریت روشن شد که آنها سرانجام با بدبین حزب توده و سازمانهای انقلابی، بین رفرمیسم و مارکسیسم - لنینیسم یک خطی را انتخاب کنند. جناح اکثریت امروز تبدیل به یک لایه گندیده شده است که در کنار حزب توده به گور سپرده خواهد شد، و کسانی که از این پس برگردا بسین لایه متعفن جمع شوند، تا بیست‌اندند که در میان لایه‌های گندیده زندگی کنند.

## با اتکاء به نیروی توده‌ها برای صلح دموکراتیک در کردستان بکوشیم



# وضعیت فلاکت بار کشاورزی وسیاستهای ضد دهقانی حاکمیت

اما هیات حاکمه دروغ میگوید. وقتی که می بینیم در طی دوره ای که به معاصره اقتصادی معروف شده، واردات ایران نه تنها کاهش نیافته بلکه افزایش هم داشته است، بوجی این دلیل بیشترتاما بیان می شود. بگذریم از اینکه در سال ۵۸ نیز که معاصره اقتصادی در کا رنمود، در عین حال کاهش تولیدات مواجه بودیم. اما اگر حتی فرض را بر این قرار دهیم که واقعا در معاصره اقتصادی قرار داشته ایم، تجربه کوبا با زپوجی این دلیل را به اثبات رسانده است. کوبا که چندین سال متوالی در معاصره شدید امپریالیستها قرار داشت، هم به افزایش تولید محصول اساسی خود، نیشکر، نایلون و محصولات دیگر که تا آن زمان در کوبا کشت نمی شد، پیروز شد.

دلیل دیگر حاکمیت مساله جنگ است. حال آنکه از جنگ غیر عادلانه ایران و عراق بیش از ۴ ماه نمی گذرد. در حالیکه آمار ارائه شده (که نشان دهنده کاهش تولیدات کشاورزی است) مربوط به قبل از جنگ است. یعنی جنگ نمی توانسته است در میزان برداشت محصول، چه برای سال ۵۸ که اعلام جنگی وجود نداشت، و چه برای سال ۵۹ که عمده محصولات تا آخر تابستان (یعنی پیش از جنگ) برداشت شده بود تاثیر داشته باشد. از این گذشته، آیا جنگ در سراسر ایران جریان دارد؟ پس چرا تولید در استانهایی که در آن جنگ جریان ندارد نیز کاهش یافته است؟ بعلاوه، مگر این ویتنام نبود که در زیر شدیدترین بمباران های هوایی تاریخ بشر، به کشت می پرداخت؟ حاکمیت با آوردن این گونه دلائل واهی می خواهد که توده ها را بفریبند. اما در عمل واقعیتها، در شرایط اوج گیری مبارزات توده های زحمتکش، اعتسلا مجدد مبارزات کارگری و نیز شدت یابی مبارزات برحق دهقانان بیش از پیش نقاب از چهره فدا خلقی و فریبکارانه حاکمیت بر می کشد و لا غیر.

## راههای دروغین خروج ازین بست

بیشک، در این زمینه راه عملی هائی که رژیم جمهوری اسلامی برای

امروز وضعیت فلاکت بار کشاورزی بچنان درجه ای از سقوط رسیده، که دیگر بر کمتر کسی پوشیده است. در این میان، هیات حاکمه که نمی توانست نامسا مانی ها و از هم پاشیدگی های موجود در این زمینه را کاملاً انکار کرده و بر روی آن سرپوش گذارد، بقصد فریب توده ها و انحراف آنان از درک علل این نامسا مانیها که ریشه در سیاست های هیئت حاکمه دارد، گوشه ها نشی نا چیز از این وضعیت اسف انگیز را بیان می دارد. در حقیقت، سران حکومت با اعلام مقداری آمار دست و پا شکسته در مورد کاهش برخی تولیدات کشاورزی و افزایش واردات این محصولات، می خواهند سروته قضیه را بهم آورده و سیاستهای ضد دهقانی خود را، که علت الطلل تمام این گونه معاشبات پنهان دارند.

این دیگر بر هر کسی آشکار است که با وجود شعارهای حاکمیت مبنی بر این که: «همه زمین ها را بکاریم و بیایم گندم بکاریم و استقلال درو کنیم» عمل، نه همه زمین ها بزرگش رفت، و نه استقلال درو گردید. در عوض آنچه که پیش روی ماست از یکطرف، کاهش فاهش تولید و از طرف دیگر افزایش واردات کشاورزی، یعنی در حقیقت وابستگی بیشتر به بازار جهانی است.

حاکمیت نمی تواند توده این مسئله معترف نباشد. بگذریم از اینکه در همین مدت نیز تا زمانی که بازی را بطور سر زبرکانه ای با سال ۵۸ که میزان تولید کاهش یافته بود مقایسه می کند، تا از ابعاد فاجعه بکا حد، لیکن مساله صرفا بر سر ارائه آمار نیست. ارائه آمار حتی نیمی از واقعیت هم محسوب نمی آید. مساله ای که با بیدرایی پنهان مورد به آن جواب داده شود، علت ها و راه های عملی رفع این مشکلات است. اینجا است که سران حکومت - اعسم از منضمین و متدینین - بر عکس ادعاهای مافقریبانه شان مبنی بر اینکه همه چیز را بمردم می گویند، با سکتند و هیچ نمی گویند و با دروغ می گویند.

## حاکمیت بر واقعیتها سایه می افکند

رژیم جمهوری اسلامی که مبارزات انقلابی دهقانان را با گاو خون کشیده، مآذره اراضی زمینداران بزرگ را غصب نامیده و آنرا سرکوب کرده، شعورای واقعی دهقانان را توطئه ضد انقلاب قلندار کرده و بزرگسبوب آن پرداخته است و حتی از اجرای اصلاحات ارضی سرودم بر بریده خود نیز ناخالصی نموده، اکنون کذا اعمال این سیاست های ضد دهقانی، کشاورزی را نیز همچون سایر بخش ها به ورشوکتگی گانده است. به علت ترائی های موهوم در این باره پرداخته و «معاصره اقتصادی» جنگ و از این قبیل را بعنوان علل این نامسا مانی ها معرفی می کند.

خروج ازین بست ارائه می دهد، نمیتواند چیزی فراتر از دلیل ترائی ها پیش نسبت به علل موضوع باشد و با ازشیوه عملکردش نسبت به دهقانان جدا. مثلا وقتی از آقای بهشتی سؤال می شود که توقف بند "ج" تا چه زمانی ادامه دارد، وی بجای پاسخ به سؤال به توضیح در مورد تقسیم اراضی موات می پردازد، و سپس برای اینکه راه حلی هم با ملاحظ برای کمک به دهقانان افزایش تولید دست داده باشد از جفر چاه آب و دادن امکانات به کشاورزان سخن می گوید. (جمهوری اسلامی ۲۶ بهمن ۵۹). این درست است که مساله دهقان فقط زمین نیست و آب، بذر، و اموال ابزار و ادوات کشاورزی و تضمین نرخ خرید محصولات و نظایر اینها نیز از مسائلی است که مهم دهقانی هستند که با بدخل شود، اما بهشتی و سایر سران حکومت با پیش کشیدن این مسائل می خواهند مساله مالکیت زمینداران بزرگ را برده پوئی کنند. و واقعیت اینست که حاکمیت در همین زمینه هائی که مدعی کمک به دهقانان و افزایش تولید می باشد، نیز به سیاستهای ضد دهقانی توسل می جوید. به دو مورد از سیاستهای کشاورزی جمهوری اسلامی، یعنی افزایش قیمت خرید محصولات کشاورزی و وام به کشاورزان توجه کنید.

چندی پیش روزنامه ها اعلام کردند که دولت برای کمک به دهقانان قیمت خرید بعضی از محصولات کشاورزی را بین ۸ تا ۵۰ درصد افزایش داده است (چقدر فرسند ۸٪، گندم ۲۱٪، جو ۲۵٪، ...). در ابتدا چنین بنظر می آید که از طریق این افزایش قیمت خرید، کمکی به دهقانان می شود، ولی واقعیت مساله بگونه ای دیگر است. اولاً میزان تورم در ایران بنا به آمار رسمی ۲۵٪ و در واقع تا ۵۰٪ بوده است. در حالیکه افزایش قیمت خرید اکثر محصولات با این ترا نرخ تورم تعیین شده است. و این بمعنی آنست که قیمت خرید این محصولات نه تنها افزایش نیافته، بلکه نسبت به سال قبل کاهش هم داشته است. و اگر افزایش مداوم تورم را هم در نظر بگیریم، کاهش واقعی قیمت محصولات (یعنی درآمد دهقانان) روشنتر می شود. تا نیا افزایش قیمت خرید، زمانه سی اعلام شده است که دهقانان محصولات خود را فروخته اند (مثل پنبه) و عملاً از این افزایش قیمت، تنها دلالان، محتکران و تجار سود می برند. تا لاشا، این قیمت های جدید هنوز از سطح قیمت ها در بازار آزاد پایین تر است. می بینید حاکمیت چگونه بسرای دهقانان دل می سوزاند و قیمت خرید را افزایش می دهد؟ اما این هنوز تمام ماجرا نیست. ایضا دسیاستهای ضد دهقانی حاکمیت وقتی بیشتر مشخص می شود که قیمت های پرداخت شده برای واردات راه سرد نظر بگیریم. بعنوان نمونه، در حالیکه دولت مستمعین در سال گذشته،

بقیه در صفحه ۱۸

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



## ایتالیا: پیروزی کارگران کارخانه "مارلی" وابسته به فیات

۱۵۰۰ نفر از کارگران مبارز کارخانه "مارلی" پس از هشت ماه مذاکره و اعتصاب به پیروزی های درخشانی دست یافتند. کارگران با مبارزات بیگیر خود، شرکت مارلی را به پذیرش توافق های زیرمجموعه کردند:

افزایش دستمزد به میزان ۴۶ هزار لیر (۲۸۸۰ ریال) با اضافه ۲۰ هزار لیر بابت مزایای ایام تعطیل، افزون بر ۷۰ هزار لیر که در گذشته در یافت می داشتند. علاوه بر این کارگران توانستند طرح تساوی حقوق در بخش های مختلف تولید و مسائل اتومبیل (که بیش از ۲۰٪ آن برای اتومبیل های فیات تولید میشود) را به اجرا در آورند.

بر اساس توافق های حاصله بین کارگران و کارفرمایان، شرکت "مارلی" متعهد گردید که در طی سال ۸۰ بهیچ وجه اقدام به اخراج موقت یا کارکنان نکند.

کارگران مبارز "مارلی" با مبارزات متحدانه خود، شرکت های گروه کارخانجات فیات را مجبور ساختند که حق سندیکا در بررسی شرکتها را به رسمیت بشناسند. و بدین ترتیب مقرراتی که در شرکت "مارلی" جاسازی برای تصویب این توافق ها تشکیل شود.

## "انگستان و بحران بیکاری"

بحران در سیستم سرمایه داری جهانی، هر روز با ابعاد تازه تری می یابد. سرمایه داران جهان بخوار، در مقابل سرمایه داران بحران و برای بحران کاهش سوده های غارتگران خود فشار را بر بحران راهمواره برگزیده زحمتکشان منتقل می کنند.

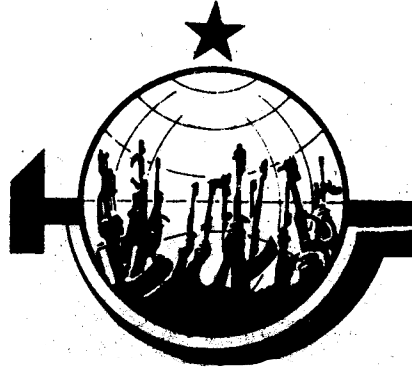
یکی از این شیوه ها اخراج های دسته جمعی کارگران از کارخانه ها می باشد.

بنا به آمار منتشره از سوی وزارت کار انگلستان میزان بیکاری کارگران و سایر شاغلین در این کشور، به متجاوز از ۱۰/۳ درصد کل جمعیت شاغل رسیده است. با توجه به ادامه بحران و تشدید آن پیش بینی می شود که طی ماه آینده، رقم بیکاران در انگلستان از مرز ۲/۵ میلیون تجاوز نماید. از سوی دیگر روزنامه های روز ۱۶/۶ گزارش داد که تنها در سال پیش یک میلیون نفر برتعداد بیکاران انگلستان افزوده شده است.

چنین وضعیتی، در کنار افزایش سرمایه و رفیقت ها موجب

## جنبش جهانی

کارگری - رهائینخش



کسرتش اعتراضات کارگری در این کشور شده است. این اعتراضات عمدتاً به شکل تظاهرات خیابانی بروز کرده است. بگزارش روزنامه تایمز اتحادیه های کارگری از هم اکنون خود را برای سازماندهی یک رشته اعتراضات سراسری همزمان با سالگرد اول ماه مه، جهت مقابله با اخراج کارگران آماده می کنند.

## بولیوی، شورای نظامی و مبارزات کارگران معادن

بولیوی نه تنها از لحاظ معادن غنی زیرزمینی اش (قلع) بولوی امپریالیسم امریکا قابل اهمیت است، بلکه از نظر حساسیت استراتژیک نیز مورد توجه غارتگران امپریالیست می باشد. بدین سبب هنگامی که در پی اعتصاب عمومی نوامبر ۱۹۷۹ (آبان ۵۸) یک دولت غیر نظامی قدرت را بدست گرفت امپریالیسم امریکا بلافاصله به توطئه چینی دولت مزبور را توسط نظامیان متحد خود، سرنگون کرد. در پی این کودتا، که یک شورای نظامی به ریاست لویی گارسیا مازا ببولیوی حاکم شد، یک رشته تروورهای برنامهریزی شده، سیاه به منظور ترساندن مردم انجام گرفت.

بیش از ۲ هزار تن کشته و بسیاری دیگر ناپدید شدند. همچنین پلیس در حمله به میتینگ میر (M.I.R.) بولوی (۱۹ ژانویه) از رهبران انسان راکت و ۳۰ تن را دستگیر نمود که تاکنون آزاد نشده اند. خانواده های کشته شدگان عقیده دارند که فرزندان آنها قبل از اعدام شکنجه شده اند، از جمله آرتمیو کارگو (رهبر اتحادیه معدنچیان قلع بولوی) دو نام بنده سابق مجلس و چهار استاد دانشگاه. کارگران معادن بولوی که سابق مبارزاتی طولانی دارند، و مدام در مبارزه انقلابی با نظامیان وابسته به امپریالیسم بوده و هستند.

با اولین زمزمه های کودتا، غذا در معادن انبار کردند و ضمن ایجاد شبکه رادیویی مستقل در برخی مناطق نیز کار ردویزه برای محافظت از معادن تشکیل دادند. وهمزمان با وقوع کودتا تمامی کارگران اعتصاب کردند.

اکنون ارتش بولیوی وابسته به امپریالیسم همچنان به تروور کارگران و رهبران مبارز و انقلابی آنها، بمب گذاری، بگیر و بکند و شکنجه ادامه می دهد. اما به رغم تمامی این جنایات و اعمال فاشیستی، مبارزات کارگران بکوبندگی و قسدرت در اشکال مختلف، مانند اعتصاب و کم کاری جریان دارد و می رود که همراه سایر کارگران و خلقهای تحت ستم جهان، امپریالیسم جهانی و پایگاه های اورا خرد و نابود سازد.

## ایتالیا: ناپل



بدنبال بحران عمیق و گسترده اقتصاد ایتالیای وابسته به اعتبارات بی در پی کارگری در این کشور و عدم پاسخگویی دولت به خواست ها و نیازهای کارگران و زحمتکشان و همچنین بی توجهی به مشکلات آوارگان زلزله زده ناپل، در روز پنجشنبه ۷ فروردین ۲۰ هزار تن از کارگران کشاورزی در اعتراض به گرانی ما به احتاج عمومی، کاهش ارزش لیر و درخواست افزایش حقوق، در شهر رم به تظاهرات وسیعی پرداختند.

## ما گرسنه هستیم، غذای ما را بدهید

قحطی و گرسنگی شدید، زنده میلیونها انسان را در سراسر جهان تهدید می کند. این پدیده، بی رحم و مرگ بار به ویژه در کشورهای وابسته و زیر سلطه، در اشکال عریان تن و دردناک تری چشم می خورد. در هفته های گذشته، هزاران تن از دهقانان قحطی زده منطقه شمال شرقی برزیل، مغازه ها و فروشگاه های مواد غذایی را در چند شهر منطقه به تصرف در آوردند و موجودی آنها را معادله کردند. در بقیه در صفحه ۶

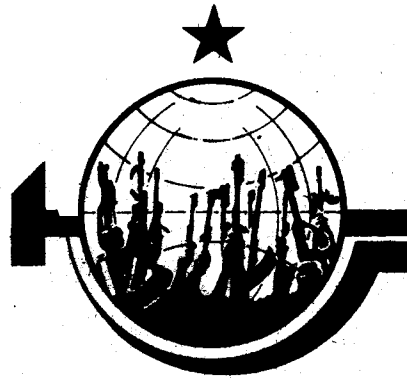
مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائینخش  
سراسر جهان

صفحه از صفحه ۵

### تقویت پایگاههای نظامی امپریالیسم

تداوم و گسترش مبارزات انقلابی خلقهای زحمتکش جهان، امپریالیستها را به هراسی مرکباً راجا ر کرده است، این امر موجب آن شده که حکومتهای امپریالیستی هر روز امکانات نظامی خود را افزایش دهند. در این رابطه، سران دو کشور امپریالیستی آمریکا و انگلیس، در ملاقات اخیر خود، توافق کردند که تجهیزات پایگاه نظامی امپریالیسم آمریکا در جزیره "دیه گوارسیا" بازمهم افزایش یابد. این جزیره که در اقیانوس هند قرار دارد یکی از پایگاههای مهم امپریالیسم آمریکا به منظور کنترل منطقه خلیج فارس است و تهدیدی جدی برای جمهوری دمکراتیک خلقیمن و سایر خلقهای منطقه به شمار میرود.

### جنبش جهانی کارگری - رها نیخش



که ۴۰ تن از "اخلال کران" در پی نا آرامی ها و تظاهراتی که در فدراسیون بدین آمده بود، دستگیر شدند. حکومت ضد خلقی تونس جرم دانش آموزان با زداشتی را "تظاهرات کردن در معابر عمومی و پرتاب آجر و سنگ و آموذ کرده است. این اعتصابات و تظاهرات که از چند ماه گذشته شروع شده بود، روزهای اخیر تا حدی آرامتر شده و تنها در چند مدرسه پایتخت ادامه یافت.

### آلمان

کمبود مسکن و نرخ و مشکلات حاشیه نشینی در آلمان نیز موجب شد که در هفته های گذشته زاغه نشینان دست به تظاهرات بزنند. در این تظاهرات که توسط پلیس به آشوب کشیده شد، گروهی از جوانان مبارز نیز به حمایت از حاشیه نشینان شرکت داشتند. در درگیری که بین نیروهای انتظامی و تظاهرات کنندگان در گرفت دهها تن از جوانان حامی زاغه نشینان توسط پلیس فاشیستی آلمان دستگیر شدند. اما فشار و اعتراض زاغه نشینان پلیس را واداشت که ۲۱ تن از دستگیرشدگان را آزاد کند. همزمان با آزادی این ۲۱ تن، در حدود ۲۰۰۰ تن از زاغه نشینان محله های جنوبی شهر "فورنبرگ"، زمین راهبیمانی خواستار آزادی تمام دستگیرشدگان شدند. این افراد در راهبیمانی خود شعار می دادند: "املاجات در مقابل زور"، "دموکراسی در مقابل پلیس ایالتی". یادآوری میشود که علاوه بر حاشیه نشینی و کمبود مسکن در "فورنبرگ" و "نورنبرگ" اکثر شهرهای مهم دیگر آلمان از جمله "مونیخ" نیز دچار کمبود مسکن هستند.

شهر "یونیتاد" و "سانتافه" که پیش از سایر مناطق برزیل دچار خشکسالی شده اند، بیش از ۵۰۰۰۰ دهقان مغازه ها را تصرف کردند. دهقانان هنگام تصرف و اشغال مغازه ها شعار میدادند: "ما گرسنه هستیم، غذا میخواهیم". شدت گرسنگی به حدی بود که مقامهای رسمی مجبور شدند که اعتراف کنند که بسیاری از قحطی زدگان برای سیر کردن خود از گوشت فاسد حیوانات مرده تغذیه می کنند. همچنین اکثر شهرهای برزیل در وضعیت بحرانی به سر می برند و هزاران تن بدنبال گرسنگی و غذا سرگردان اند. آمار رسمی تعداد بیکاران را ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ مار غیر رسمی رقم دو میلیون را نشان میدهد. این امر موجب شده که تفسیر و نگرانی از بابت حرکات اعتراضی بیکاران و دهقانان گرسنه بر مقامهای محلی چیره شود.

### شیلی

در هفتمین سال حکومت دیکتاتوری پهنوته بر شیلی، مبارزات انقلابی با شیوه های گوناگون علیه امپریالیسم و دیکتاتوری وابسته بدان، گسترش چشمگیری داشت. با سکال آئینده، خواهرزاده آئینده، که رهبری جنبش چپ انقلابی شیلی (میر - MIR) را به عهده دارد، اخیراً اعلام کرده است که در طول سال ۱۹۸۰، "میر" ۱۰۰۰ عمل چریکی و تیرور انقلابی انجام داده است.

### کلمبیا

دولت کلمبیا اخیراً در مواجهه با رشد گسترش مبارزات چریکهای انقلابی این کشور، لایحه ای را به تصویب رساند. در این لایحه که به منظور فریب توده ها و مهار عملیات انقلابی چریکها، به تصویب رسیده است، عفو عمومی چریکهای انقلابی منظور شده است. لایحه عفو عمومی چریکهای انقلابی، عقب نشینی فریبکارانه ای حکومت مرتجع و سرسپرده کلمبیا در برابر ترمیم مبارزات انقلابی توده ها و انقلابیون این کشور آمریکا لاتین را نشان میدهد. اما در همه انقلابیهای رهائی بخش این واقعیت به اثبات رسیده است که نه سرکوبهای نظامی و کشتار و نه شیوه های فریبکارانه، هرگز نتوانند انقلابیها و دما امپریالیستی و رهائی بخش را متوقف و منلانی نماید.

### تونس

روزی مرتجع و سرسپرده تونس اخیراً به سرکوب و دستگیری دانشآموزان دست زده است. طبق بیانیه ای که حکومت در پی حرکات اعتراضی دانش آموزان انتشار داد، متذکر شده است

### تشکیل دولت فلسطین قبل از آزادی سرزمین اشغالی یا بعد از آن!

در حالیکه تلاشهای گوناگون امپریالیست ها و صهیونیست ها برای تکمیل طرحهای توطئه گرانه "کمپ دیوید" جهت نفی حقوق خلق رزمنده فلسطین جریان دارد، طرح تشکیل دولت موقت در تبعید توسط برخی رهبران میانه رو و راست گرای جنبش فلسطین مجدداً به میان آمده است، اما، "جنبه خلق برای آزادی فلسطین" با تکیه بر این امر که سه خلق فلسطین در پی بیش از یک ربع قرن مبارزه با صهیونیسم به خوبی دریافته است که پیروزی همه جانبه جز از طریق ادامه قاطعانه و بی تزلزل نبرد مسلحانه تا نابودی صهیونیسم اشغالگر و برقراری دولت دمکراتیک خلق در فلسطین، امکان پذیر نیست. مخالفت خویش را با طرح و پیشنهاد ایجاد یک دولت در تبعید اعلام کرد. مسلم است که در طرح مزبور، جز فریب خلق فلسطین و کشتار شدن مبارزات آنها به سطح زدوبندهای سیاسی بی حاصل و سازش طلبانه، هدفی نیست. رفیق جرج حبش رهبر "جنبه" خلق برای آزادی فلسطین "اخیراً" در محاسبه های اعلام کرده برای مبارزه با این طرح و تاکید بر ضرورت وحدت نیروهای انقلابی خلق فلسطین - P.F.L.P. - در اجلاس شورای ملی فلسطین که از دیهشت ماه ۱۹۶۰ در دمشق تشکیل خواهد شد، شرکت می کند. احتمال دارد - جنبه مذکور اینبار ورود به کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین را نیز بپذیرد.

دو روز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است

زنان با یدمزد مساوی پرداخت شود و تنها شرایط محیط کار میتوانند تبعیض دستمزدهای دوکارمساوی تفاوت ایجاد کند.

۴ - در ارزشیابی مشاغل باید کلیه عوامل متناقض افکنانه همچون حضور مرتب در کار... که به کم و کیف شغلی مربوط نمی شود حذف گردد.

۵ - مسئولیتها باید آنچنان تعریف و تعیین شوند که تمام مشاغل درون یک واحد مورد ارزیابی قرار گیرد.

۶ - عواملی چون "حق سرپرستی" و "مسئولیت ایمنی دیگران" که باعث جدا کردن بیشتر کارگران از یکدیگر و از دست دادن بیشتر امتیازات آنها میشود، خود یک شغلسند و نباید بتوان عامل ارزیابی تعیین شوند.

۷ - طرح طبقه بندی مشاغل - کارگران و کارکنان دفتری نباید جداگانه تهیه شود. طرح واحدی برای هر موسسه یا پیمانکاران گرد داده بدین ترتیب بتوان فاصله پائین ترین و بالاترین دستمزدها را بخصوص در مورد کارگران

بحد اقل رسانند.

۸ - اجرای هیچ طرحی نباید دستمزدهای کارگران را کم کند.

۹ - اجرای طرح طبقه بندی مشاغل باید کلیه حقوق کارگران را تعیین نماید. یعنی حقوق متغیری نظیر حق اضافه کاری، مزایا و غیره باید به پایه دستمزدها افزوده شده و جزئی دستمزدها محسوب گردند.

۱۰ - طرح طبقه بندی مشاغل نه تنها در واحدهای بیش از ۵۰ نفر بلکه در تمام واحدهای کارگاهی کمتر از ۵۰ نفر نیز باید توسط وزارت کار اجراء گردد.

۱۱ - هر یکسال یکبار طرح طبقه بندی برای ارتقاء پایه و گروه کارگران باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد.

۱۲ - اجرای طرح طبقه بندی باید تحت نظارت و کنترل کارکنان شوراهای انقلابی انجام پذیرد.

اکنون بر سر اجرای طبقه بندی مشاغل مبارزه ای از دوسو در جریان است. از طرف کارگران مبارزه برای دریافت ارزش واقعی نیروی کار و از طرف سرمایه داران اجرای یک نظام دستمزدی سودآور و جلوگیری از زیاده های آن طرف. در این شرایط کارگران پیشرو و شوراهای انقلابی کارخانجات مسئولیت مهمی بر عهده دارند. وظیفه سازماندهی هدایت و گسترش پیوند مبارزات کارگران

به یکدیگر در این مورد کاملاً مهمی در پیش برد این مبارزه خواهد بود.

اکنون شوراها و انقلابی موظفند قاطعانه اجرای این طرح تحت نظارت و کنترل خود گرفته و با گزارش مداوم به کارگران آنها را از چگونگی پیشبرد این مسئله مطلع سازند. شوراها و انقلابی ضمن گشایش توده های وسیع کارگری به میدان مبارزه برای اجرای هر چه بهتر این طرح، حتی خود میتوانند با توجه به موارد گفته شده و با اتکال به کارگران طرحی تهیه نموده و اجرای آنها به وزارت کار تحمیل نمایند. شوراها و انقلابی باید به ارتباط گیری با سایر شوراها و کارخانجات پرداخته و آنها متحد و متشکل خود را هر چه بیشتر گسترش دهند. بخصوص اتحاد انقلابی شوراها و کارخانجات یک رشته صنعتی همچون ماشین سازی ها، رشتا جی ها و غیره از آنجا که مشاغل یکسانی دارند، کاملاً ارزنده ایست برای اجرای هر چه بهتر طبقه بندی مشاغل.

اکنون کارگران پیشرو نباید تسلیمات گسترده ای را در این زمینه آغا ز نمایند. باید تمام کارگران زودتر و بر خوردها طرح طبقه بندی مشاغل آگاه و مسلط نمود. باید پیچیدگی مزورانه قوانین بورژوازی را برای کارگران فاش کرد. باید ما به هیئت سوداگران سه تک تک آنها را به نمايش گذارند و در راه برخورد با آنها راه کارگران نشان داد. و با لایحه های مبارزه را برای اجرای هر چه کارگری تر طرح طبقه بندی مشاغل سازمان داد. اما در این گیسرو داربستها داشته باشد سخنان ما را کم آموزگارکبیر کارگران جهان را کم میگفت: "طبقه کارگرتبا ید درم - سود نتایج نهایی این مبارزه روزانه گرفتار مبالغه شود. او نباید زیاد ببرد که در این مبارزه روزانه فقط بر علیه معلولها مبارزه میکند و بر علیه علی که زائیده آنهاست. فقط جلوی گرایش را که موجب بدتر شدن وضع اوست میگیرد ولی جهت آنرا تغییر نمیدهد. مسکن بکار میبرد ولی بیمار را درمان نمی کند."

و با لایحه اینطور وظیفه بلند مدت کارگران را یادآور میشود که بجای شعار محافظه کارانه: "دستمزد عادلانه برای روزگار عادلانه" باید شعار انقلابی را بر پرچم خود بنویسد امحاء سیستم کارمزدوری!

درباره

طرح طبقه بندی مشاغل

یکی از مسائل کارگران در بسیاری از کارخانه ها اجرای طرح طبقه بندی مشاغل می باشد. بطوریکه در مبارزات چندماه گذشته کارگران، یکی از خواسته های عمومی و مشترک آنها را تشکیل میداده است. طرح طبقه بندی مشاغل که از سال ۴۹ مطرح و در سال ۵۲ به تصویب مجلس آریا مهوری رسیده بود، بطور ناقص در برخی کارخانجات اجرا می شد. پس از قیام نیرزیم جمهوری اسلامی تا فروردین ماه ۵۹ همساز سیستم آریا مهوری طرح طبقه بندی مشاغل را با کمی رنگ و لعاب همچنان بطور پراکنده اجرا می کرد. تا اینکه بر اثر مفاومت کارگران در مقابل ضوابط ضد کارگری این طرح تا چاره توقف آن شده و قول داده اند که از فروردین سال ۶۰ طرح جدید طبقه بندی مشاغل را به اجرا گذارند. همچنین مسئولین وزارت کار چندماه است که بطور جدی بقول خودشان در "۲۰ کارخانه مشغول آزمایش طرح جدید هستند. تا حتماً این بار طوری اهداف خود را پیاپی به شما بیاورند که بخیال خود مانع گسترش مبارزات کارگران گردند و با مخالفت آنها روبه رو نشوند. از آنجا که از ویژگی های طرح طبقه بندی مشاغل پیچیدگی ضوابط آن است و بورژوازی به دهها وسهله در آن متوسل می شود تا به مقاصد خود برسد ما در این مقاله سعی می کنیم پرده از پیچیدگی مزورانه این طرح برداریم تا کارگران با آن آگاهانه تر و مسلط تر برخورد نموده و با کوشش برای اجرای طرح مورد نظر خود قادر به ارتقاء مبارزه خویش باشند.

طبقه بندی مشاغل بدنبال رشد و گسترش صنایع و تشدید تقسیم کار در جوامع سرمایه داری از یک طرف و از دیگری مبارزات کارگران برای افزایش دستمزدها از طرف دیگر مطرح شد. سرمایه داران به این ترتیب ناچار شده بودند ضوابط معینی برای دستمزدهای مشاغل گوناگون ایجاد

کنند. تا اولاً هر چه و مرج موجود در پرداخت دستمزدها را از زمین ببرد و ثانیاً با تعیین ضوابط مشخصی برای دستمزدها مبارزات کارگران را مهار زده، در حد تثبیت شده مورد نظر خود نگه دارند، اما کارگران نیز خواستار ضوابط معینی برای دریافت دستمزدهای خود بودند. آنها ضوابطی را میخواستند که با اجرای آن بتوانند ارزش واقعی کار خود را دریافت دارند. آنها خواهان این بودند که میزان تجربه، تخصص، وسختی شرایط کارشان در تعیین دستمزدها نقش موثری داشته باشد. آنها میخواستند که کارگران یک رشته شغلی در سایر کشورهای دستمزدهای معینی دریافت دارند، تا آنها نیز نباشند برای دستمزدهای بیشتر به ناط مختلف آواره شوند و هر قدر که تیغ سرمایه دار بریدر کمتر مزد پرداخت کند... و بدین ترتیب او جگسری مبارزات کارگران برای افزایش دستمزدها را با سرمایه داران را وادار به اجرای قانونی بنام طبقه بندی مشاغل نمود. از اولین کشورهای سرمایه داری که این قانون در آنها اجرا شد می توان انگلستان پس از جنگ دوم جهانی و آمریکا در سال ۱۹۳۸ را نام برد. پس همه نظور که می بینیم اجرای طبقه بندی مشاغل در کارخانجات سرمایه داران، منتهای هر یک از این دو طبقه هدف متفاوتی از این مسئله را تعقیب میکنند، ولی پیش از آنکه بخواهیم طرح طبقه بندی مشاغل مورد نظر سرمایه داران را بررسی کنیم، یا اینکه آنرا از دید طبقه کارگرتنگاه کنیم، از آنجا که تمام این طرح با تعیین حدود و دستمزدها در رشته های مختلف سرکار دارد، لازم است مختصری به قانون بندی کلی حاکم بر دستمزدها در جوامع سرمایه داری اشاره کنیم. باید ببینیم سیر حرکت دستمزدها در جوامع سرمایه داری چگونه است و تحت تاثیر چه مشخصه هایی قرار دارند. تا



پس از آن روشن شود که کارگران در مبارزات خود بر سر مسئله دستمزدها بطور کلی چه اهدافی باید داشته باشند و بطور مشخص درگیرودارهای مبارزه بر روی هر مسئله خاصی مانند طبقه بندی مشاغل منظور مبارزه را از زمان دهند. آنچنان که در جهت اهداف نهایی آنها قرار گیرد.

## قانونمندی حاکم بر دستمزدها چیست؟

### ابتدا ببینیم دستمزدها چیست؟

دستمزد مقدار پولی است که سرمایه داران برای خرید کارکنان لایبی بنا بر نیروی کار به کارگران می دهند بلکه کار لایبی بنام نیروی کار. این در واقع اساس قضیه است. درجا معنی سرمایه داری رابطه بین کارگر و سرمایه داران را نشان می دهد. نوع دیگری از مبادله، در عرصه گردش کار لایه سیار میکند. مبادله مقدار نیروی کار (کار لایه) با مبلغ پول بنا به دستمزدها بنا بر این نیروی کار درجا معنی سرمایه داری یک کار لایه است که کارگر به سرمایه دار می فروشد تا اینکه با گرفتن دستمزدها بتواند زندگی کند. پس بر خلاف سرمایه داران که از فروش کار لایه سود بیشتر را در نظر دارند کارگر ناچار است در فعالیت حیاتی خود را بکلی کار لایه بفروشد و برای زندگی کردن بفروش برساند. اکنون ببینیم که دستمزدها چگونه تعیین میشود؟ آیا این دسته مزد ارزش واقعی کارگر را که در جهت کار برای اینکه مسئله روشن شود باید اول ببینیم که قیمت کار لایه معنی سرمایه داری چگونه تعیین میشود و تحت تاثیر چه قوانینی قرار دارد. زیرا همان قوانین عمومی که بطور کلی قیمت کار لایه را تعیین میکنند طبیعتاً دستمزدها که خود نیز قیمت کار لایه بنا بر نیروی کار است تعیین می نمایند.

کار لایه دارای ارزشی هستند که بوسیله مقدار کار اجتماعی لازم برای تولید آن تعیین میشود. (مزد، بها، سود) - کارل مارکس برای نیروی کار هم به یک کار لایه منظور است. مثلاً نیروی کار یک کارگر ما را ارزشی بالاتر از نیروی کار یک کارگر معمولی

دارد. زیرا تولید آن - یا پ - نیروی کار را نسبت به تولید نیروی کار ساده - یا یک - معمولی - هزینه بیشتری داشته است. یعنی هر چه وقت کمتری برای آموختن یک کار صرف شود هم قدر کم خرج تولید نیروی کار کم تر است، و در نتیجه به همان اندازه هم ارزش این کار لایه یعنی دستمزدها با این ترخواهد بود.

بر همین اساس در آن بخش هایی که احتیاج به هیچگونه کارآموزی نیست و همان نیروی جسمی کارگر برای تولید کالای فایده مند، مخرج تولید چنین کار لایه برای استفاده سرمایه داران در پایین ترین حد خود است. یعنی قیمت کار این کارگر در آن حدی است که فقط بسختی حداقل معیشت خود را تامین میکند.

اما این یک طرف قضیه است. زیرا تنها رابطه برای تعیین قیمت یک کار لایه - یا دستمزدها - کارگر - ارزش نهفته در آن نیست. همانطور که ارزش یک کار لایه تعیین کننده قیمت آن نیست، ارزش نیروی کار یک کارگر هم در سیستم سرمایه داری تنها عامل تعیین دستمزدها و نه با بدبینیست. دیگر چه عواملی در تعیین قیمت آنها دخالت دارند.

## رقابت!

رقابت موجود در عرصه های گوناگون گردش کار لایه است. عامل مهم دیگری که در تعیین قیمت کار لایه تاثیر دارد، قضیه رقابت است. بشکافیم. ما رکن میگوییم: "صنایع، دوارش را در مقابل یکدیگر قرار میدهند و هر یک از این دوارش در درون خود و ما بین سرمایه داران خود نیز دست اندر کار یک مبارزه می باشد. و آن ارتشی که در غفوفش تمام شدت خفیف تری وجود دارد در دشمن غلبه می نماید." او بخوبی نشان می دهد که رقابت بین فروشندگان و خریداران - کارگران و سرمایه داران - که یکی سعی میکنند کار لایه را اگر کمتر بفروشند و دیگری می کوشد تا آنرا ارزانتر بخرد، چگونه تحت تاثیر روابط درونی آنهاست. او بخوبی نشان میدهد که علاوه بر میزان عرضه و تقاضای یک کار لایه نقش مهمی در تعیین قیمت آن دارد (که هر یک بنوبه خود رقابت های درونی یکی از این دوارش را تشدید میکنند) اتحاد و تشکل یا درگیریهای درونی - فره شندگان و خریداران نیز در بالا

مشاغل از دید سرمایه داران را بر می شماریم. این موارد هر یک به نحو گویایی نشان دهنده هدف آنها و به عبارت دیگر انگیزات موجود در این طرحها میباشد:

۱- واحدهای کم تر از هفت نفر مشمول اجرای طرح طبقه بندی مشاغل نمیشوند. این نکته یعنی آزاد گذاشتن دست سرمایه داران برای مکیدن شیر جان بیش از ۲/۳ کارگران ایران، آنطور که دلشان میخواهد.

۲- تعداد مشاغل موجود در واحدها بیش از مشاغل تعریف شده است بطوری که کارگران زیادی شغل معینی ندارند و با دیدن این گروه اقرار بگیرند.

۳- طرح ارزشیابی شغلی کارگران تاکنون عمدتاً توسط کارفرمایان تهیه شده است.

۴- تهیه طرح جداگانه برای کارکنان تولیدی و کارکنان دفتری. همچنین بکار بردن شیوه های مختلف در اجرای این طرح در موسسات گوناگون.

۵- با اجرای طرح طبقه بندی مشاغل حقوق ثابت کارگران را تعیین کرده بخش دیگری از دستمزدها بر آنحت عنوان دیگر نظیر مزایا، حق اضافه کاری و... پرداخت میکنند تا موقع اخراج یا شرایط دیگر بتوانند آنرا حذف یا کم کنند.

۶- اختلاف زیاد دستمزدها بین گروه های پائینی و بالایی جدول، که این اختلاف هر ساله نیز افزایش می یابد.

۷- دخالت دادن عواملی چون انضباط، شایستگی، انجام سریع دستورات و غیره در ارزشیابی.

۸- عدم توجه به مبنای دستمزدها که باید با تامین حداقل هزینه معیشت باشد.

۹- تعیین محدودیتهایی برای تعداد معینی از مشاغل. مثلاً در واحدهای همچون شرکت نفت، ذوب آهن، شرکت واحد و... مشاغل وجود دارد که همچون ارتش چند نفر نمی توانند در آن پست باشند. و اگر کسان دیگری ز نظر یا به گروه به آن ها رسیدند باید نقد رصیر کنند تا یکی از آنها بازنشسته یا از کار برکنار شود تا اوارتقاء شغل پیدا کند. و موارد دیگری از این قبیل...

پس می بینیم که فقط خواستار اجرای طبقه بندی مشاغل شدن نه تنها کافی نیست (هرچند که لازم است) بلکه حدود مرز

خواست طبقه کارگر با خواست بورژوازی را نیز مشخص نمی کند. اکنون ببینیم خواست کارگران از طبقه بندی مشاغل چیست؟

## طرح طبقه بندی مشاغل از دید کارگران

کارگران از اجرای طبقه بندی مشاغل خواهان آنند که دستمزدها واقعی خویش را دریافت دارند. آنها می خواهند تا بدین وسیله ارزش واقعی نیروی کار خود را از جیبهای کارفرمایان سرمایه داران بیرون بکشند. کارگران خواهان اجرای ضوابطی هستند که بر اساس میزان تجربه، مهارت و سابقه کار ریکه دارند دستمزدها تعیین گردد. آنها می خواهند تا سختی شرایط کار نیز نقش مهمی در مقدار دستمزدها داشته و در مقابل کار مساوی مردان و زنان، جوانان و پیران مزد مساوی پرداخت شود. اینست حلقه اساسی خواست کارگران از طرح طبقه بندی مشاغل.

اکنون که اجرای طبقه بندی مشاغل بحثا به یک خواست سراسری کارگران مطرح است باید کوشید تا هر چه بیشتر ضوابط کارگری در اجرای این طرح وارد گردد. کارگران با مبارزه متحدانه خود باید وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی را وادار نمایند تا خواستهای بحق آنها را در اجرای این طرح وارد کنند. همچنانکه در قانونمندی کلی دستمزدها گفتیم، اتحاد، تشکل و مبارزه کارگران نقش مهمی در تعیین دستمزدها خواهد داشت. ضوابطی را که در طرح طبقه بندی مشاغل از دید کارگران باید وجود داشته باشد تا بتوان بدین ترتیب خلاصه کرد.

۱- حداقل دستمزدها تعیین شده یعنی گروه یک پایه یک باید بر مبنای تامین حداقل هزینه های معیشت باشد. وزارت کار موظف است حداقل به اندازه نرخ تورم موجود در جامعه (هر ماه) برای مبلغ بیا فزاید، بعبارت دیگری به مزدها متحرک بوده و با افزایش قیمتها بیا فزاید شود.

۲- بیشترین امتیاز در عوامل مورد بررسی را باید تجربه، مهارت، سابقه کار و شرایط کارگر تشکیل دهند. - در برابر کار مساوی مردان و





# ” طرح فعالیت احزاب و جمعیت ها و ... “ یا چماق بزرگ علیه سازمان های سیاسی

در شماره ۱۰۹ نظری کوتاه به طرح ضد مکرراتیک و بنیاد ارتجاعی "فعالیت احزاب، جمعیتها و انجمن های سیاسی و صنفی و..." که کلیات آن به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و برای شور دوم به کمیسیون رفته است اذیت کنیم. اینک به بررسی تفصیلی این طرح می پردازیم:

اولاً "وجود احزاب و جمعیت های گوناگون نتیجه منطقی و ضروری وجود اقسام و طبقات مختلف در جامعه سطح معینی از تکامل اجتماعی و مبارزه طبقاتی است. احزاب در جوامع طبقاتی و بخصوص در جامعه سرمایه داری عالیترین شکل تبلور و نمود نمایندگی اقسام و طبقات مختلف است. بنا بر این در این جوامع تشکیل احزاب و گروهها که برای پیشبرد اهداف ویرانگرانه های هر نیروی موجود می باشد یک قانون اجتماعی است که علی رغم خواست این یا آن نیروی اجتماعی انجام می پذیرد. از این رو اگر هیئت حاکمه بخواهد با ایجاد اختناق و بکار بردن نیروی سرکوب جلوی تشکیل نیروهای اجتماعی را بگیرد، طرفی بنیست و تنها میتواند در شکل بروز این شکل ها موثر واقع شود نه در اساس و وجود این شکل ها. به عبارت دیگر دیکتاتور خشن تنها میتواند اشکال علنی و قانونی مبارزه را از نیروهای رزمنده سلب کرده و اشکال نیمه مخفی را به آنها تحمیل کند. تجربیات جهان سوم کشور خودمان این امر را کاملاً به ثبوت رسانده است. تاریخ نشان داده است که دیکتاتورهای مبتنی بر سرکوب آشکار، به عبث کوشیده اند شیوه های سرکوبگرانه انحلال گروهها را جامعه عمل پوشانده و سیستم ترک حزبی را در جامعه طبقاتی، آنهم در شرایطی که مبارزه طبقاتی توده ها با شدت وحدت و صف ناپذیری در جریان است، پیاده کنند.

سرنگونی رژیم دیکتاتور شاه موجب شده که گروههای سیاسی که تا دیروز بصورت پنهانی و زیرزمینی فعالیت میکردند با ایدئولوژیها و برنامه های متفاوت در عرصه مبارزه آشکار شده و فعالیت علنی خود را آغاز کنند. اما حاکمیت تازه بدو رسیده از همان ابتدا در مدبرانه اداری فعالیت گروههای انقلابی که وظیفه دفاع از منافع کارگران و زحمتکش را بر عهده داشتند جلوگیری بعمل آورد. سران

جمهوری اسلامی برخلاف ادعاهای قبلی شان مبنی بر تاسیس آزادی برای همه که شعار مردم ایران بود، هر روز گامهای جدیدی در سلب حقوق و آزادیهای ابتدایی مردم برداشته اند. آنان طرف این دو سال همه نوع فشار و محدودیت را برای گروههای مخالف خود و بخصوص سازمانهای انقلابی و مردمی ایجاد کردند: از انتشار آزادانه روزنامه و نشریات آنان جلوگیری بعمل آوردند و توزیع کنندگان این نشریات را بازداشت و زندان محکوم کردند، دفاتر آنها را بستند، اجازت را همه پنهانی، گردهمایی به آنها ندادند و اجتماعات آنها را به خون کشیدند، از تشکیل شوراهای واقعی و اتحادیه های صنفی در کارخانه ها، کارگاهها، روستاها و در بین اصناف و گروههای مختلف اجتماعی جلوگیری کرده و از تشکیل کنفرانسها، سمینارها، جلسات سخنرانی و غیره توسط مردم مانع بعمل آورند، دانشگاهها این سنگر آزادی و آگاهیه را تعطیل کردند، حتی برپائی نمایشگاههای عکس گروههای انقلابی از جمله فالانژهای حکومتی ممنون نماند. از درج اعلامیه ها و بیانیه های گروههای انقلابی و مردمی در رسانه های گروهی جلوگیری بعمل آمد و سانسور در نهایت شدت برقرار گردید. پس از این همه اعمال ضد مکرراتیک که جز افشای حاکمیت شمری نداشت، اکنون میخواهند با تصویب قانون "احزاب" باین اقدامات ضد مردمی و سرکوبگرانه خویش شکل و شمایل قانونی دهند تا شاید این قانون برایشان معجزه کند! بخلوه رژیم که با بحران اجتماعی - اقتصادی روبه رو بوده و قادر به حل آن نیست با ازدیت دادن حمایت توده ها را روبروست. او برای جلوگیری از بهره برداری نیروهای مترقی مردمی از این اوضاع و احوال، چاره را تنها در سرکوب عبارات توده ها و انحلال گروهها و سازمانهای مدافع توده ها دانسته است. در حالیکه تجربه همین دو سال گذشته با دیده آنها فهمانده باشد که اقدامات خود چقدر ناموفق بوده اند. زیرا در شرایط خود ویژه - جامعه ما، کشاکش انقلاب و ضد انقلاب، تضادهای درون حاکمیت و مبارزه آشکار توده ها، آنها با این تشبثات نه قادرند جلوی فعالیت گروهها را

بگیرند و نه میتوانند جلوی کارهای حمایت توده ها نسبت به خود و گرایش مردم را نسبت به نیروهای انقلابی سد کنند. ولی از آنجا شیکه تمایل به حفظ قدرت بهر وسیله، چشم آنها را کور و شرایط بحرانی هم آنها را گریز و گنگ کرده است لذا بهر وسیله ای متصل میشوند. این اوضاع و احوال است که سردمداران حزب جمهوری اسلامی را بران داشته که هر چه زودتر قانون "احزاب و جمعیتها و..." را به تصویب رسانند و بخیال خود از "شر" گروههای ناباب خلاص شوند. حال ببینیم قانونی که حاکمیت از آن انتظار معجزه دارد، چگونه معجونی است!!

طرح "فعالیت احزاب و جمعیتها و..." از ۲ ماده تشکیل شده است. ماده ۱ تا چهار تعاریفی از احزاب و جمعیتهای سیاسی، انجمن و اتحادیه صنفی، انجمن اسلامی و انجمن اقلیت های دینی شناخته شده بدست میدهد. در ماده ۲ توضیح میدهد که منظور از کلمه "گروهها" در این قانون سازمانهای تعریف شده در ماده ۱ است. ماده ۳ تا چهار این قانون سپس در تمام مواد بعدی این قانون لفظ گروهها بکار برده شده است. این بدین معنی است که تمام شرط و شروط و محدودیتهایی که در این قانون مطرح شده درباره اتحادیه های صنفی، شوراهای انجمنهای صنفی و مذهبی و... هم لازم الاجرا بوده، و این مقررات منحصر به احزاب و جمعیتهای سیاسی نخواهد بود.

ماده ۷ قانون که ناظر به اخذ پروانه رسمی ز وزارت کشور است طوری تنظیم شده که در وهله اول این تصور را به ذهن مبارورده که اخذ پروانه صرفاً برای برخورداری از "امتیازاتی" است که دولت به گروهها خواهد داد. وگرنه اگر حزب یا جمعیتی چنین امتیازاتی را نخواهد اجباری هم به اخذ پروانه رسمی ندارد. اما وقتی بدیل این ماده و به "امتیازات" مندرج نگاه کنیم، متوجه میشویم که حزب یا جمعیت سیاسی یا صنفی اصولاً بدون این "امتیازات" نمیتواند علت وجودی داشته باشد. بدیل ماده ۷ "امتیازات" اخذ پروانه رسمی - چنین تزییم میکنند: "تشکیل اجتماعات و راهپیمائی مطابق اصل ۷ قانون اساسی با کسب مجوز از وزارت کشور". اجازت انتشار بقیه در صفحه ۱۰

## مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

بقیه از صفحه ۹

اعلامیه های خود در روزنامه های  
کثیرالانتشار ۳۰۰۰ استفاده از  
صداوسیما جمهوری اسلامی ایران  
در چهار رجب اساساً مه آن لازم  
تذکر است که این ماده با قانون  
اساسی دست پخت سردمداران جمهوری  
اسلامی تناقض آشکار دارد زیرا  
اولاً اصل ۲۷ قانون اساسی "تشکیل  
اجتماعات و راه پیمائی ها بدون حمل  
سلاح، بشرط آنکه محل به میانی اسلام  
نباشد" را آزادانه و بی قید و شرط  
مندرج در ماده مذکور قید و شرط  
دیگری برای آن قائل شده است.

در حالیکه قانون "احزاب" یک  
قید "با کسب مجوز از وزارت -  
کشور" به آن اضافه کرده در تائیدی  
به موجب اصل ۱۲۷ انجام راه پیمائی و  
اجتماعات برای هر گروهی آزاد است  
ولزومی به اخذ پروانه یا تشریفات  
زیادتی بینند در حالیکه قانون  
"احزاب" یکی از "امتیازات" اخذ  
پروانه را "تشکیل اجتماعات  
و راه پیمائی" میدانند.

حال بنبینیم پروانه رسمی چگونه و  
توسط چه مرجعی صادر میشود؟ ماده  
۱۰۱ این سوال پاسخ میدهد: "منظور  
رسیدگی به درخواست متقاضیان و  
انجام وظایف مطروحه در این قانون  
کمیسیون شرح زیر در وزارت کشور  
تشکیل میشود: ۱- نماینده  
داستان کل کشور ۲- یک نفر از  
کمیسیون امور داخلی مجلس  
۳- نماینده وزارت کشور ۴- نماینده  
وزارت ارشاد ملی ۵- نماینده دفتر  
هماهنگی و اطلاعات وابسته به  
نخست وزیر ۶- یک نفر مجتهد با  
معرفی فقها و شورای نگهبان ۷- یک  
نفر حقوقدان با معرفی حقوقدانان  
شورای نگهبان".

با یک نگاه سطحی به ترکیب این  
کمیسیون میتوان از هم اکنون پیش  
بینی کرد که همه اعضا یا اکثریت  
قریب به اتفاقشان از وابستگان به  
حزب جمهوری اسلامی انتصاب شده و  
با این وصف معلوم است که اینان با  
آنهمه اختیاراتی که قانون "احزاب"  
و... به آنها داده است چه گلی به سر  
گروهها خواهند زد؟!

هر چند مطابق مواد این قانون  
مراحتاً مشخص نگردیده که کمیسیون  
موضوع ماده ۱۰۱ کمیسیون "چماق"  
بزرگ علیه گروهها "برای صدور -  
پروانه به چه اسناد و مدارکی رسیدگی  
خواهد کرد، ولی از مواد ۱۲، ۱۵ و ۱۶ و  
۱۷ چنین مستفاد میشود که عبارتند  
رسیدگی برای صدور پروانه عبارتند  
از: بررسی مراعاته، اساسنامه  
گروهها، رسیدگی به صلاحیت کادر رهبری  
و...  
گریبهای سیاسی و طبقاتی و عملکرد  
های گروه در گذشته. مطابق ماده  
۱۵ طرح مراعاته و اساسنامه  
گروهها نباید مخالف قانون اساسی  
باشد. یعنی اگر در مراعاته گروهی  
مطلوبه باشد: "ما با اعمال  
شکنجه به شکل که باشد مخالف هستیم"  
این امر مخالفت با قانون اساسی  
تلقی خواهد شد زیرا اصل ۲۸ قانون

## طرح فعالیت "احزاب" جمعیتها و...

اساسی می گوید: "هرگونه شکنجه  
برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع  
است" که در این مثال چون مفهوم  
اعمال شکنجه به شکل با مفهوم اعمال  
شکنجه برای گرفتن اقرار و اطلاع  
مخالفت است بنا بر این مخالفت با  
قانون اساسی تلقی خواهد شد. و بنا  
اگر در مراعاته گروهی با مالکیت  
خصوصی مخالفت شود یا خواهان گسترش  
حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی  
برای خلق باشد که این مسائل در  
قانون اساسی نیست و یا خلاف آن  
وجود دارد در این صورت این امر نیز  
مخالفت با قانون اساسی تلقی شده  
و بنا بر قانون "احزاب و... بنا  
"چماق بزرگ علیه گروهها" چنین  
گروهی حق فعالیت نخواهد داشت.  
همچنین بموجب ماده ۱۶ برای صدور  
پروانه کمیسیون باید "ملاحظاتی  
مستولین گروه را تصدیق کرده و در  
آینده نیز هر نوع تغییر در مسئولین  
با بدتحت نظارت و تصدیق کمیسیون  
باشد. "اینکه "ملاحظاتی" چه مفهومی  
دارد و این مسئولین چه مشخصاتی باید  
داشته باشند که صالح تشخیص داده -  
شوند تا مادام درست اعضای کمیسیون  
است که تصمیم بگیرند. در یک کلام هم  
ریش و هم قیچی در دست آنهاست!!

دیگر اینکه مطابق ماده ۱۷،  
کمیسیون برای صدور پروانه و موافقت  
با ادا فعالیت گروه، بطور دائمی  
موضوعات و عملکردهای گروه را (چه  
در تشریفات، اجتماعات و فعالیتها  
دیگر) در نظر خواهد گرفت. به موجب  
این ماده ارتکاب افعال زیر در صورت  
تکرار باعث انحلال گروه میشود:  
"نقض استقلال کشور... هر نوع  
ارتباط با سایر رتخانها و نمایندگیا  
و... احزاب سیاسی کشورها یا خارجی،  
در یافت هرگونه کمک مالی و تدارکاتی  
از خارج کشور، ایراد تهمت، افتراء به  
افراد و گروهها و تاپه بر اکتی، نقض وحدت  
ملی و اعمالی چون طرح ریزی برای  
تجزیه کشور... تلاش برای ایجاد و  
تشدید اختلاف میان صفوف ملت با  
استفاده از زمینه های متنوع فرهنگی  
و مذهبی و نژادی موجود در جامعه ایران،  
نقض موازین اسلامی و اساس جمهوری  
اسلامی... موارد فوق آنچنان کشدار  
و قابل تفسیر است که اعضای کمیسیون  
"چماق بزرگ علیه گروهها" میتوانند  
در هر مورد با استناد یکی از موارد  
فوق از صدور پروانه جلوگیری کرده و یا  
در آینده گروه را منحل کنند. مثلاً  
هکارتی و همبستگی با جنبشهای  
آزادبخش نظیر جنبش فلسطینی، عمان  
و السالوادور و نظائر آن که وظیفه  
بین المللی هر گروه انقلابی و مترقی  
است میتواند وسیله ای برای غیر  
قانونی کردن گروه شود. و بنا

در یافت کمک مالی از طرف دانشجویان  
ایرانی مقیم خارجه که یک امر طبیعی  
است، مطابق این قانون مجرم  
بحساب آمده! همچنانکه در تبصره  
ماده ۱۹ گفته شده: "درآمد و هزینه های  
گروهها با بیدردفا ترسمی ثبت شود  
و در پایان سال مالی برای بررسی  
در اختیار کمیسیون قرار گیرد"، که  
این خود میتواند زمینه ای برای  
بها نه جوشها و در نتیجه زیر سؤال  
بردن گروه گردد.

هر چند در مورد فوق گفته شد که  
"با موافقت کتبی دولت و تائید  
کمیسیون بلا مانع است" ولی بدیهی  
است که دولت همیشه میتواند به بهانه  
های مختلف با انجام چنین اموری "کلا"  
مخالفت کند.

دیگر اینکه همه دیدیم که ظسرف  
دو سال گذشته تحت عنوان "نقض  
وحدت ملی"، "طرح ریزی برای  
تجزیه کشور"، "تلاش برای ایجاد  
اختلاف میان صفوف مردم با استفاده  
از زمینه های متنوع فرهنگی و نژادی  
موجود در جامعه ایران" و "نقض  
موازین اسلامی" حاکمیت چه خونهای  
که بر زمین ریخته و چه آتشی که به  
افراد و گروهها زده است؟! مردم  
ایران میدانند که حاکمیت بجای  
با سخگوشی به خواستهای بحق خلقهای  
ایران بخصوس خلق کرد، چه بر حسب  
که به آنها زده است. چه بسا افراد  
مبارز و انقلابی را تحت این عناوین  
فوق اعدام کرده و هزاران تن از افراد  
خلقها را با خاک و خون کشیده است.  
با این ترتیب واضح است هر گروهی که  
دفاع از حق تعیین سرنوشت خلقها را  
در برنام، مراعاته و اساسنامه خود  
داشته باشد بموجب این قانون حق  
فعالیت نخواهد داشت. "نقض  
موازین اسلامی و اساس جمهوری" هم  
یکی دیگر از مستمسک ها است که در  
گذشته افراد بسیاری بموجب آن مورد  
تعقیب و میزات قرار گرفته و اکنون  
هم مراعاته بموجب این قانون  
میتوان از فعالیت گروهها به بهانه  
آن، جلوگیری کرد.

با این ترتیب می بینیم که کمیسیون  
موضوع ماده ۱۰۱ "چماق بزرگ  
علیه گروهها" با اختیارات وسیع  
و بی با تش که علت وجودیش بر خلاف  
قانون اساسی تدوینی خودش است،  
مانند چماقی در نظر گرفته شده که بر  
فرق سر هر گروهی که بخواهد کوچکترین  
فعالیتی بر خلاف نظر دولت سردمداران  
حزب جمهوری اسلامی انجام دهد  
فرود خواهد آمد. البته قانون برای  
خالص نبودن تزییه ذکری هم از  
اصل ۱۶۸ قانون اساسی و دادگاه  
رسیدگی به جرائم سیاسی کرده و در ماده  
۲۰ میگوید:

"شورای عالی قضائی موظف است  
طرف یکماه از تاریخ تصویب این قانون  
بموجب اصل ۱۶۸ قانون اساسی دادگاه  
خاصی جهت رسیدگی به دعاوی گروههای  
که پروانه فعالیت آنها باطل است  
منحل میگردد تشکیل دهد". این  
ماده اولاً با اصل ۱۶۸ قانون اساسی  
در تناقض است زیرا این ماده  
شورای عالی قضائی را موظف به تشکیل

بقیه در صفحه ۱۲



هنگامیکه توده های میلیونی بپا خاستند و رژیم سلطنتی را در ۲۲ بهمن سرنگون کردند، خواستار دگرگونی اساسی در کلیه شئون زندگی بودند. توده ها خواستار نابودی استعمار و درهم شکستن نظام طبقاتی و پپی ریزی جامعه ای بودند که کلیه امکانات رفاهی از جمله درمان و بهداشت مسکن و غذا و پوشاک بطور یکسان مورد بهره برداری قرار گیرد.

اما نه تنها هیچیک از خواسته های خود را بدست نیاوردند بلکه در مقابل اعتراضات خود با سرکوب مواجه شدند آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم مورد تهاجم سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت. هم اینک کارگران و زحمتکشان میهنمان در زمینه های مختلف تحت شدیدترین فشارها قرار دارند از جمله مسئله درمان یکی از مشکلات توده های میلیونی جامعه ماست. درمانگاهها و بیمارستانهای دولتی و دانشگاهی که مورد مراجعه بیشترین اقشار زحمتکش است امکانات کافی جهت پذیرش بیماران و مداوای آنان را ندارد و بیماران ناچاراً روزها پشت در بیمارستانها منتظر میمانند تا تختی خالی شود و بیمار جدیدی بستری گردد. بیمارستانهای خصوصی نیز بدلیل هزینه سرسام آور خود درها و بیش نیروی زحمتکشان بسته است حتی مصدومین در حال مرگ را قبل از دریافت صورتحساب تقریبی ویا تعهد پرداخت مخارج بستری نمیکنند وضعیت درمان و بهداشت در روستاها بمراتب اسفبارتر است. اکثریت مردم در روستاها و نیز بخش عظیمی از کارگران (فصلی) از کمترین امکانات درمانی برخوردار نیستند. بخشی از مردم که تحت پوشش بیمه قرار گرفته اند نیز از سطوح درمانی متفاوتی برخوردارند. مثلاً بیمه کارگران از نظر کیفی نسبت به بیمه کارمندان در سطوح متفاوتی است بطوریکه در بسیاری از موارد کارگران ناچارند به واحدهای درمانی خصوصی جهت درمان خود خوانده - مراجعه کنند. روستائیان که لااقل ۵۰٪ جمعیت کشور را تشکیل میدهند از همین بیمه اجتماعی نیز برخوردار نیستند. اقشار نسبتاً "مرفه آنها فقط گاهی میتوانند خود را به نزدیکترین شهر یا بخش برای گرفتن درمانهای ابتدائی برسانند و روستائیان کم زمین و بی زمین خوش نشین که حتی قادر به پرداخت مخارج برای رفتن به شهرها نیستند یا با بیماری نامعلوم خود میمیرند و یا خود بخود میمیرند و یا از عوارض دائمی بیماری خود برای تمام عمر رنج میبرند. در غالب روستاها به علت نبود امکانات رفاهی از قبیل آب سالم، حمام و فاضلاب و کمبود غذائی، شرایط ایجاد وابقاء

## نگاهی به وضعیت طب و درمان

انواع بیماریهای عفونی و انگلی و سوء تغذیه وجود دارد. در بیش از ۵۰ هزار روستای مانه تنها بیمارستانی وجود ندارد بلکه غالباً "از دسترسی به پزشک عمومی ویا پزشکیار نیز محرومند. در حالیکه حداقل برای هر ۲۰۰۰ نفر تخت بیمارستانی لازم است و جمعاً معادل ۹۰۰۰ تخت بیمارستانی احتیاج است که مخارج معادل حداقل ۲۶ میلیارد تومان را در برمیگیرد. بودجه دفاع ملی در سال ۵۸ طبق آمار دولتی ۴/۵ میلیارد تومان بوده است که با آن میتوان بیش از احتیاج کمبودهای تخت را برطرف کرد. با بودجه یکروزه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی یعنی ارتش ژاندارمری، شهربانی سپاه پاسداران و جاشها

میتوان بسیاری از نیازها و کمبودهای درمانی توده های زحمتکش را تامین نمود که در حال حاضر بخش قابل توجه آن - صرف سرکوب زحمتکشان کردستان میشود.

بر اساس طرح بودجه ما زمان برنامه در سال ۵۹ تنها بودجه اصیت شهرها بالغ بر ۲/۲۹ میلیارد تومان است. و حدود ۴/۳ میلیارد تومان آن صرف مخارج شهربانی میشود در حالیکه کل بودجه بهداشت و درمان و تغذیه کشور بالغ بر ۵/۷ میلیارد تومان میباشد یعنی حدود ۲ میلیارد کمتر از بودجه امنیت شهرها.

در حالیکه برای احداث ۵۰۰ مرکز بهداشتی روستائی مجهز (حداقل نیاز کشور) حدوداً ۸ میلیارد تومان بودجه لازمست، با بودجه یکسال سپاه پاسداران که سالانه در حدود ۱/۴ میلیارد (آمار سال ۵۸) تومان است میتوان ۱۵۰ مرکز بهداشتی و درمانی و یا ۱۰ بیمارستان مجهز روستائی ایجاد نمود و بودجه ای که دولت برای قراردادهای دفاع ملی و تعهداتش نسبت به امیربالیستها بایستد بپردازد ۲/۸ میلیارد تومان است که تقریباً معادل سه برابر بودجه وزارت بهداشتی و بهداشتی که ۱/۳۴۴ - میلیارد تومان است میباشد.

در حالیکه در حال حاضر ۲۴ هزار پزشک کمبود داریم رژیم جمهوری اسلامی دانشگاهها را پس از کشتار جنایتکارانه دانشجویان بسته است

و این وقفه در آموزش پزشکی تاثير خود را با زهم بیشتر بر بنا رسانیهای فعلی درمانی مملکت میگذارد.

## چهره و وابستگی در سطوح درمانی

بیمارستانهای ما از نظر مسائل تشخیصی و درمانی و دارونیز همچون گذشته وابسته به سرمایه داری جهانی است زمانیکه وسایل آزمایشگاهی مثل محیط کشت ویا فیلم رادیولوژی در انبار محترکین و واردکنندگان میمانند تا قیمتها را هر چه خواستند بالا ببرند، حکومت جمهوری اسلامی امتیاز خرید و وارد کردن محیط کشت ( برای تشخیص بیماریهای عفونی و ۰۰۰) و فیلم رادیولوژی امریکائی و ژاپنی و غیره را بوسیله تجار وفادارش از دلایلهای اتریشی میخرد تا ازین رهگذر سود "شرعی" نصیب آنان شود و این سود چند میلیونی را از جیب زحمتکشانی بایدهپردازنده برای عکسبرداری ساده سینته ۱۲۰ تومان و برای یک آزمایش کشت ساده حداقل ۹۰ تومان پولنیا زاست

## نگاهی به وضعیت پرسنل بیمارستانها

فشار وارد بر کارگران، کارمندان، تکنسینها و پرستاران کمتر از سایر اقشار جامعه نیست مسائل عمومی جامعه از قبیل گرانی، کمبود مسکن و اخیراً حذف غذای روزانه و حقوق نا کافی ماهانه آنها را شدیداً "به اعتراض واداشته است.

کارگران و زحمتکشان جامعه که در بیمارستانها با نارسائیهای درمانی مواجه میشوند اکثر کمبودها را متوجه پزشک پرستار و سایر کارکنان دیده و هیئت حاکمه نیز سعی میکند از این طریق به کشمکشهای درون خلقی دامن زند و بر زمینها آتاکا هسی زحمتکشان، با تمام نارسائیهای بیمارستانها و مراکز درمانی را متوجه کارکنان این بخش نماید. از سوئی دیگر علیرغم کشمکش قدرت که بین لیبرالها که اکثر مدیرت بیمارستان را دارند و انجمنهای اسلامی جریان دارد، وحدت عمل آنها در مقابل توده های بیمارستانی و اعتراضات کارکنان زحمتکش بیمارستانها قابل توجه است اگر لیبرالها در مقابل تشکیل شوراها سنگ اندازی میکنند انجمن های اسلامی به فرمایشی کردن شوراها مشغولند اما مبارزات پرستاران و پزشکان انقلابی و مبارز برای تشکیل شورا و کسب حقوق صنفی و سیاسی خود در اشکال مختلف خود ادا نمیدارد.

کارگران بیمارستانها که بر زمین گراشات مذهبی و ضدیت با بقیه در صفحه ۱۶

# بهداشت و درمان رایگان، برای زحمتکشان، تامین باید گردد

## با کمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید

رقای هواداران سازمان  
در آمریکا

الف	۵۶۷۸	۱۶۷۱
۱۰۲۲۵	۲۰۱۰	۲۳۸۱
۱۳۲۲	ش	۵۳۸۱
۲۰۱۱۹	۵۲۰۲۰	۵۰۱۴
۵۰۰۰	۵۰۰۰	۱۳۲۳
۲۰۲۵	۱۳۹۷	۲۰۵۰
۸۷۶۵	۲۰۰۱	ت - ه ۱۰۰
۹۴۴۲	۵۱۰۵	واشنگتن ۵۹۹
	۱۰۲۷	شیکاگو ۱۵۰
	۲۲۱۲	کرنل - ۱۵۹۹۹
۲۰۱۲	۱۰۱۱۵	۲۱۵
۲۰۲۲	۹۸۲	آریزونا ۳۰۱۲۱۵
۵۰۰۱	۵۰۱۲	۱۵۰
	۲۵۰۸	لارنس - ۱۰۴۸
۱۰۰۰	۱۰۲۰۰	۵۲۰
۱۰۳۱	۵۱۱۲	لوس آنجلس ۵۲۰۰
۱۵۳۰	۱۰۲۷	فلوریدا ۵۳۰۰
۱۰۰۰	۲۳۲۷	کالیفرنیا - ج
۲۹۱۲	۲۰۱۰	۲۲۶۶
	۱۱۳۲	محمدی - ۵۳۰۰
۳	۶۹۲	۸۰
۵۰۱۰	۱۵۴۰	رقای ایندیانا
۵۰۰۱	۱۰۱۰	۶۵۵۵
	۱۱۰۱	ش - ایلی نویز
۱۰۵۵۵	۵۲۲۱	۲۰۰
۳۱۲	۵۲۱	م - ۲۰۰۰
۱۵۲۵۱	۵۶۱۱	د - س ۸۰
	۱۲۳۲	داود - ش ۱۵۰
	۱۳۷۳	هسته - ی - ۱۰۴
۳۰۰۰	۵۰۱۲	ظ - ۶۶۶
۳۳۳۳	۲۰۴۲	ه رفیق صمد ۱۰۰
۵۱۰۰	۸۲۵	و - ی ۱۱۰۰
۱۳۱۰	۵۰۶۶	شمال - آ ۲۱۰
	۵۱۰۰	رقای شیراز
۲۰۲۷	۲۱۹	۵۱۲۰
۶۳۳۳	۵۰۴۲	ن ۲۰۸۱۸
۱۱۱۱	۶۷۷۳	ش ۲۰۳۱۳
۱۰۱۱۱	۱۸۳۳	بدون ف ۷۰۲۷
۲۶۱۱	۱۰۱۰۰	حرف اول ۲۰۵۰
۱۰۱۰۰	۵۵۵	دبیرستان طالقانی
۲۱۰۰	۱۷۶۶	ک - ط ۲۰۰۶
	۱۱۰۰۰	ک - ن ۱۰۰۰
۱۱۳۵	۲۱۱۲	خ ۱۰۲۲
	۵۱۲۳	امانت شمارسید
۲۳۲۸	۱۰۰۰۰	ر - ۲۵۲
	۵۰۰۰	ب - ۷۵ کوپن هینن
۵۱۲	۱۸۹۰	رفیق ه
۸۳۲	۱۰۲۲۶	رقای رفیق ف
۶۵۰	۱۰۰۰۵	رقای سوسسند
۶۵۰	۲۰۰۰	(کوتمبرگ)
۱۱۱۱	۵۱۲۳	۳۰۰
۸۰	۵۹	۱۰۰۰
	۱۰۶۶	م - ۲۵۰ ۲۰۰۰۰

## طرح فعالیت احزاب و جمعیتها . . .

بقیه از صفحه ۱۰

"دادگاههای خاص" ولابد از تنوع دادگاههای انقلاب" میکنند در حالیکه اصل ۱۶۸ میگوید: "رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و بسا حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت میگیرد نحوه انتخاب و شرایط، اختیارات هیئت منصفه و جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی تعیین میکند. در اینجا تشکیلات دادگاههای مورد نظر نیست بلکه نحوه انتخاب و شرایط اختیارات هیئت منصفه باید مشخص شود تا نسبتاً معلوم است که چنین دادگاه خاصی که بدست بهشتیها، مویس ریویلیها و قدوسیها تشکیل میشود چگونه دادگاههای است. چون روز روشن است که چنین دادگاهها هیچگاه در مقابل اقدامات واعمال کمیسوین کذابی یا "چماق بزرگ علیه گروهها" نخواهد ایستاد!

بررسی طرح "فعالیت احزاب و جمعیتها... در مجلس شورای اسلامی با برخورد های موافق و مخالفی" از طرف نمایندگان رزور بود. از تدوین کنندگان این طرح که جناح غالب حزب جمهوری اسلامی هستند (یعنی ۱۱۹ نماینده ای که به کلیات طرح رای مثبت دادند) که بگذریم، کسانیه چشم میخورند که با وجودیکه در جناح حزب هستند ولی در این باره سیاستهای "دوران پیشانه و معقولانه" دارند. از جمله این افراد آقای محلاتی است که ظاهراً با طرح مخالفت کرد، و همزمان طوریکه خودش گفت با اصل و محتوای طرح مخالفتی ندارند بلکه با شکل ارائه آن مخالف است. او در مجلس گفت: "در تدوین با اصل محدودیت ها مخالف نیستیم ولی عرض من اینست که این طرح نسبتاً بخته است (یعنی بطور مزورانه تنظیم نشده)... پیشنهادها این است که این کمیسیون مسکوت بماند و پرونده در دادگاههای داخلی تا بعد طرح آبرومندی گردانند و به آنها نه بدست دشمنان غرب و شرق خودمان ندهیم" (جملات داخل گروهها از است) و با مخالف دیگری که به جناح لیبرالها نزدیک میشود تا نام اعظم طالقانی است که ایشان هم با محتوای طرح مخالفتی نگردیدند بلکه شکل و نحوه عملکرد آن مخالفت کرده او گفت: "ما مخالف نیستیم که لایحه با طرحی تصویب بشود که سروا مان بدهد، شیات سیاسی بدهد... اگر دادگاهها مال لایحه ای باشد که میبایست را بررسی کند این شیات منکدر در نظر باشد می توانند احزاب و گروهها را با ضوابط دیگر که بتوانیم تنظیم

کنیم جلو آنرا بگیرد. "و البته فراسوی لیبرالها هم در مجلس در باره این طرح اظهار عقیده ای - نکردند هر چند تنی چند از آنان در انقلاب اسلامی از طرح ارائه شده انتقاد کردند و از قانون اساسی بدست دفاع نمودند.

بطوریکه میدانی حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی و بخصوص آزادی احزاب و جمعیت های سیاسی و صنفی و مذهبی رابطه تنگاتنگی با مبارزه طبقاتی و مبارزه ضد امپریالیستی داشته و هیچ مبارزه ضد امپریالیستی نمیتواند عمق و وسعت لازم را پیدا کند مگر با گسترش فعالیت های دموکراتیک مردم ما. از این جهت همه نیروهای مترقی و انقلابی به تا مین حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی به عنوان یک مسئله حیاتی می نگرند. اما از طرف دیگر شرایط جامعه ما، تناسب نیروهای طبقاتی، تضادهای موجود در ارگان حاکمیت و سطح مبارزات توده ها و شدت بحران اقتصادی - اجتماعی، نیروهای انقلابی را قادر میسازد که با انجام مبارزات متحد و قاطع از حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی به بهترین وجهی دفاع کرده و سردمداران رژیم را به عقب نشینی وادار کنند. از اینرو همه نیروهای انقلابی، سازمانهای دموکراتیک، شوراهای اتحادیه های کارگری و انجمنهای صنفی و مذهبی که این طرح تهدید جدی برای موجودیت همه آنهاست با پدیده بگیرد به افشاء ماهیت آن و اهداف رژیم در تصویب آن اقدام کنند. این نیروها باید برای تامین و تضمین حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی تمام کوشش خود را بکار برده و با هماهنگی کردن برنامه های مبارزاتی خود با سایر نیروهای انقلابی و دموکرات، فعالیت مشترک و متحد را سازمان داده و اینجا و آنجا با اتحاد عمل های موضعی و مقطعی جنبشی بهروز مند را در چارچوب شعار زیر برپا پیش برند: از حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی دفاع کنیم و علیه سرکوب و اختناق مبارزه کنیم!



رقای  
هوادران

**در تکثیر و توزیع آثار  
سازمان بکوشید**

دهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

ارزشیابی کارکا رگران موردنظر است یا با لایردن سودکارخانه ؟ یا درمورد دیگر برای سابعده و تجربه کاری ، کارگران حداکثر ۱۷۰ متیبه از گذاشته اند درحالیکه قوای بدنی و نیروی جسمی آنها ۱۲۰ متیبه زار دیده این ترتیب کارگرها تجربه ایکه نیروی جسمی اش کم باشد باید امتیازات زیادی را از دست بدهد . آیا تعیین ارزش واقعی کارکا رگران موردنظر است یا با لایردن تولید ؟

با زمثلا در مورد خطرات بیشماری که در این کارخانه جان کارگران را تهدید میکند حداکثر ۱۶۰ متیبه از مساهله حفاظت و نگهداری محصولات و دستگاهها در مجموع ۱۱۸۰ متیبه زار دارد . کدام بیشتر اهمیت دارد جان کارگران یا حفاظت از دستگاهها ؟ مسلم است که طرح طبقه بندی مشاغل موردنظر دولست سرمایه داران از آنجا که تولید بیشتر و سود بیشتر را در نظر دارد باید برای حفاظت دستگاهها نیز بیشتر از جان کارگران ارزش قائل باشد . بلکه اینست عملکرد رژیم جمهوری اسلامی این به اصطلاح حامی مستضعفان (! در رابطه با طرح طبقه بندی مشاغل .

اما هنوز چند صفحه دیگر مانده است بدنیست نگاه نیز به آنها بیا نندازیم ۹۰ ملی که در بالا شمرده شد برای ارزیابی مشاغل موجود در کارخانه بود . اما تنها این عوامل نیستند که دستمزد کارگران را تعیین میکنند . نکته جالب قضیه هنوز مانده است : "سیستم شایستگی سالیانه برای کارکنان " . بلیه ، عواملی نیز برای بهره وری بیشتر در تولید و تفرقه بین کارگران در نظر گرفته شده اند که در دستمزدها تا شمر میگذارد . این عوامل عبارتند از "تلاشی که برای با لایردن کمیت کار ، کیفیت کار ، حضور مرتب در کار ، جلوگیری از ایضایات احترام به ما فوق ، انجام سریع دستورات ، نظافت دستگاه و محیط کار ، ، و انجام کارهای فوق برنامہ صورت میگردد ."

اما نکته چهارم : شایده گذاشتن این ضوابط در طرح طبقه بندی مشاغل برای تعیین دستمزدها مثلا در ذهن کارگران ننگند . چون بنظر می رسد بیشتر به ضوابط یک ارتش ضد خلقی شباهت دارد تا قانون ارزشیابی مشاغل کارگران . همانطور که در قانونمندی حاکم بردستمزدها گفتیم سرمایه داران میدانند با ایجنسی

"رقابت" در بین کارکا رگران می توانند مانع اتحاد آنها گردند . آنها با گذاشتن این چنین ضوابطی میخواهند کارگران را به رقابت با یکدیگر برای افزایش دستمزد خویش وادارند . آنها دستمزدهای واقعی کارگران را به آنها نمی پردازند تا بدین ترتیب با نشان دادن مبلغی پول بیشتر آنها را وادار کنند تا مثل یک مهره برای با لایردن تولید به تلاش بپردازند .

سرمایه داران پرداخت مبلغی از دستمزد کارکا رگران را به "احترام به ما فوق و انجام سریع دستورات" محول میکنند ، تا براضی شیره جان آنها را بکنند و آنها از ترس کم شدن دستمزد نا چیز خود نتوانند حتی لب بلبه اعتراض بکشایند . سرمایه داران با اختصاص دادن مقدار دیگری از دستمزد کارگران به "انجام کارهای فوق برنامہ" !! ردیلا نه می کشند تا با جلب افرادی به شناسائی کارکا رگران آگاه و پیشرو پرداخته و مانع مبارزات کارگران گردند . آنها با تعیین این چنین عواملی سعی می کنند ارزشیابی شغل را به ارزیابی فرد تبدیل کرده و هر چه بیشتر نظر خود را در تعیین دستمزد کارکا رگران دخالت دهند ، آنها

به این ترتیب می کشند تا بعضی در بین کارکا رگران مانع متحد و یکپارچه شدن صفوف آنها گردند . این عوامل که عمده ترین اهدافشان دامن زدن به تفرقه در بین کارکا رگران و جلوگیری از مبارزاتشان می باشد نمونه دیگری است برای پی بردن به ماهیت طرح طبقه بندی مشاغل از دید سرمایه داران . از آنجا شیکه بیرون کشیدن همین نکته اساسی از طرح مورد نظر خوبی ماهیت آنرا نشان میدهد بررسی طرح را خاتمه میدهم . بطور خلاصه طبقه بندی مشاغل از دید سرمایه داران ارزشیابی مشاغل است بدان ترتیب که اول سودآوری بیشتری داشته باشد و ثانیاً مانع گسترش اتحاد و مبارزه کارکا رگران بر سر دستمزد گردد . این دو حلقه اساسی در موارد گوناگون طرح طبقه بندی مشاغل سرمایه داران خود را نشان میدهد . در یک بررسی کلی از طرحهای گوناگونی که آنها برای طبقه بندی مشاغل ارائه میدهند موارد متعددی میتوان یافت که نشانگر این دو حلقه می باشد . اکنون که در یک بررسی مشخص ۴ نکته از این موارد را نشان دادیم ، بطور فهرست وار ضوابط ایجنسی در طرحهای طبقه بندی

یا پائین آوردن قیمت یک کالا موثر است .

اکنون با توجه به اینکه نیروی کارکا رگر نیز در جوامع سرمایه داری همچون یک کالا میباشد ، تمام این جنبه های گوناگون تعیین قیمت یک کالا در مورد تعیین دستمزدها سرمایه داران نیز صدق میکند . مثلاً همانطور که بر اثر کم و زیاد شدن یک کالا در بازار قیمت آن نیز تغییر میکند ، تغییر در عرضه و تقاضای نیروی کار در سطح جامعه قیمت آنرا دستخوش تغییرات میسازد . یعنی اگر تقاضای نیروی کار برای برای جذب کارکا رگران - نیروی کار - بیشتر از بیگانه کاران موجود در جامعه باشد ، دستمزدها - قیمت کالا - با لایردن و واگرمبرعکس این باشد دستمزدها پائین می آید . منتهی فرق این کالا یعنی نیروی کار با کالاهای دیگر در اینست که خود می تواند برای دریافت قیمت واقعی خویش مبارزه ای بنیان نهد . بر علیه سرمایه داری به پیش برد . و سرمایه داران نه تنها قادر به نابودی این کالا نیستند بلکه برای باز تولید خویش احتیاج به زنده بودن و توان کار کردن اونیز دارند .

بنابراین می توانیم قانونمندی کلی حاکم بر تعیین دستمزدها را در جوامع سرمایه داری بدین ترتیب خلاصه کنیم . قیمت نیروی کار یک کارگر - یا دستمزداو - تحت تاثیر چند عامل تعیین میشود : اولیین و اساسی ترین عامل ارزشی که در آن نهفته است یا بعبارت دیگر تخصص و تجربه ایکه دارد . دوما عرضه و تقاضای نیروی کار موجود در جامعه ، یعنی زیاد بودن نیروی بیگانه در دستمزدها را پائین آورده و کم بودن دستمزدها را بالا می برد . و با لایردن سومین عامل تعیین کننده دستمزدها مبارزه ایست که بین کارکا رسرمایه دار - خریدار و فروشنده - وجود دارد . در هر دو منظور که ما رکس میگوید هر یک از این دو ارتش متحد و متشکل تشر با شد بر دیگری غلبه خواهد کرد . اتحاد و مبارزه متشکل کارکا رگران نقش بسزایی در تعیین دستمزدها خواهد داشت .

اینها بود عوامل ترین قوانین تعیین کننده دستمزدها تعیین قیمت هر کالا . دیگر در جامعه سرمایه داری . در اینگونه جوامع هر قانونی هم که برای دستمزد گذاشته شود نمی تواند

مینایی خارج از چارچوب این قوانین داشته باشد . اکنون با توجه به این قانونمندی کلی به بررسی ضوابطی که سرمایه داران برای تعیین دستمزدها تحت عنوان طبقه بندی مشاغل ارائه می دهند می پردازیم .

## طبقه بندی مشاغل از دید سرمایه داران

همانطوریکه گفتیم سرمایه داران از اجرای طرح طبقه بندی مشاغل هدف خود یعنی کسب سود بیشتر و جلوگیری از ارتقاء مبارزات کارکا رگران را در نظر دارند . سنگ زیربنای طرح طبقه بندی مشاغل از دید سرمایه داران را قانون عرضه و تقاضا برای نیروی کار تعیین میکند که بر مبنای رشته های سودآور اقتصاد مورد نظر نظام سرمایه داری قرارداد دارد . یعنی مشاغلی که در بازار کباب هستند و به رشته های سودآور اقتصاد مربوط میشوند قسمت های بالای جدول و مشاغل پر عرضه در درجه های پائین آن قرار میگیرند . بدین ترتیب سرمایه داران نیروی کار را به نوعی در این رشته مورد نظر نیز گسیل میدارند و می کشند تا با تبلیغات خود منافع طبقه ای کارکا رگران را تحت تاثیر منافع شغلی آنها قرار دهند . مثلاً با امتیازات بیشتری که به مشاغل مورد نظر خود می دهند می خواهند کارکا رگران این رشته را از سایر کارکا رگران جدا کرده حتی رودر روی آنان قرار دهند .

برای سرمایه داران صحبت کردن از ارزش واقعی کارکا رگران چیز خنده دار است . برای آنها بهبود وضع زندگی کارکا رگران معنایی ندارد . برای آنها ساختن کارگاه و تجربه کاری همه کارکا رگران نیز ارزشی ندارد . کما اینکه خیل عظیم کارکا رگران کارگاه های حتی کما نیکه سالها کار داشته و رشته خود مجرب می باشند اصلاً جایی در طرح طبقه بندی رژیم شاه و حتی اکنون نیز ندارند . خلاصه کنیم : تقسیم بندی مشاغل و رده بندی آنها بطوریکه بیشتر به سودآوری را برای کل سیستم اقتصادی داشته باشد ، اینست محور اساسی و سنگ زیربنای طرح طبقه بندی مشاغل از دید سرمایه داران . با توجه به این کلیات اکنون به

جزئیات طرح طبقه‌بندی مشاغل از دید آنها می‌پردازیم. جزئیاتی که توسط دانشمندان بورژوازی آنچنان بیچ و تاب داده شده است که میباید کارگران از حقه‌های آنان مظلومانه شوند. ماسعی می‌کنیم در این زمینه حتی الامکان مواردی را که لازم باشد بشکافیم.

اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل بدین ترتیب می‌باشد که شغل‌های گوناگون را در یک موسسه مورد ارزیابی قرار داده و ارزش آنها را تعیین میکنند. بطوریکه در آن موسسه نظام معینی برای دستمزدها ایجاد میگردد. سرمایه‌داران در اجرای این طرح یک روش معین بکار نمی‌برند. آنها از چهار شیوه بنا می‌مایند: روش درجه بندی، روش رتبه بندی، روش مقایسه عوامل و بالاخره "روش امتیازگیری" استفاده میکنند. این روشها هر یک بطرق گوناگونی مشاغل را ارزیابی کرده و بالاخره حقوق کارگران را

تعیین می‌نمایند آنها از شیوه‌های مختلف استفاده میکنند تا در موسسات گوناگون هر کدام بیشتر صرف داشت آنرا بکار برند. مثلا روش رتبه بندی را معمولا در اکثر ادارات بکار می‌برند ولی در کارخانجات عمدتا از روش امتیازگیری استفاده میکنند. روش امتیازگیری جدیدترین، متداولترین و در عین حال پیچیده ترین شیوه سرمایه‌داران در اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل می‌باشد. از همین رویه بررسی این روش اکتفا می‌کنیم. در این شیوه ابتدا مشاغل مورد ارزیابی را تعیین میکنند. سپس آنها را گروه بندی کرده و تعریفی برای هر گروه شغلی ارائه می‌دهند. بدین ترتیب گروه‌های شغلی جداگانه‌ای بدست می‌آید. آنگاه عوامل موثر در هر یک از این مشاغل را تعیین کرده و امتیازاتی برای آن قائل میشوند که در موسسات گوناگون متفاوت می‌باشد. رایج ترین این عوامل تحصیل، تجربه، ابتکار، فعالیت جسمی، فعالیت فکری و... می‌باشند. که تعداد آنها بین ۳ تا ۲۵

عوامل متغیر است ولی بطور معمول ۱۵ - ۱۳ عامل می‌باشد. سپس برای هر امتیاز مبلغی بعنوان ضریب ریالی تعیین میگردد که نهایتا از مجموع امتیازها دستمزدها تعیین میگردد. برای اینکه روشنتر نشان دهیم چگونه شغل‌های گوناگون را ارزیابی وجه اهدافی را در آن تعقیب می‌نمایند،

بهرتر دیدیم که طرح طبقه‌بندی مشاغل کارخانه جنرال استیل را مورد ارزیابی قرار دهیم. این طرح که توسط عوامل رژیم جمهوری اسلامی در اوایل سال ۱۳۵۸ در این کارخانه تهیه شده با اینکه سعی نموده اند رنگ و لعاب انقلابی داشته باشد اما آشکارا ماهیت سرمایه‌دارانه آن نمایان است. با هم این طرح را برای روشن شدن دید سرمایه‌داران از طبقه بندی مشاغل بررسی میکنیم.

### طرح طبقه بندی مشاغل در کارخانه جنرال استیل

در ابتدای طرح می‌خوانیم که "برای تعیین امتیازهای مورد نظر و وضع مشاغل کارخانه از تخصص مهارت، قوه ابتکار و غیره... مراحل جریانی کار در کارخانه باید بررسی شود. پس از تعیین این مراحل از جمله "بدنه سازی - زه های پلاستیکی یخچال... قسمت مونتاژ" و چند قسمت دیگر تا چارمی شوند بدلیل بد بودن شرایط محیط کار و خطرات احتمالی زیادی که موجود است، این دو مسئله را نیز بررسی نمایند. سپس "عوامل ناراحت کننده در محیط کار را گردو خاک، کثافت، سموم گاز و غیره... و خطرات احتمالی" مراض ریوی، بریدگی، افتق، مسمومیت و از این قبیل "ارزایی می‌کنند. همینجا لازم است اولین نکته را در رابطه با دید سرمایه‌داران از اجرای این طرح نشان دهیم. متخصصان آنها وارد کارخانه که می‌شوند بجای اینکه کارکارگران را از نظر تجربه، تخصص و... بررسی کنند ابتدا مراحل تولید را ارزیابی میکنند. آنها بدین ترتیب عوامل موثر در تولید کارخانه و چگونگی افزایش آنها را تعیین کرده و بیشترین امتیازات را به این عوامل داده آنگاه بسراغ کارگران می‌روند. مثلا آنها می‌خواهند ببینند فعالیت فکری بیشتر در جریان تولید این کارخانه نقش دارد یا فعالیت جسمی، آنگاه بیشترین امتیاز را به این یا آن بدهند. در نتیجه کاری که عوامل مورد نظر آقا بیان را داشته باشد بیشتر امتیاز خواهد آورد. چند وقتی دیگر می‌زنیم. در این

صفحات ضمن جمع بندی مختص سوری از تحقیقات خود در قسمتی از نوشته آمده است که: "با در نظر گرفتن بازار عرضه و تقاضای کار، حداقل دستمزدها تعیین شده توسط وزارت کار و امور اجتماعی در سال ۵۸ بعنوان حداقل دستمزد تعیین شده "دومین نکته اینست که پس از جمع بندی از مشاغل موجود در کارخانه و پیدا کردن عواملی که نقش اصلی در تولید را دارند، برای تعیین حداقل دستمزد باید، "بازار عرضه و تقاضای کار" موردنظر را در نظر بگیرند. برای آنها مهم است که بدانند برای مشاغل این کارخانه تا چه حدی کارگردارها معهود است. با دقتا ن هست که در اول نوشته گفتیم یکی از عوامل تعیین دستمزد تحت تاثیر قانون عرضه و تقاضای نیروی کار است. اگر نیروی کار برای این مشاغل درجا معهود کم می‌آید یا شد حداقل دستمزد در آن کارخانه بالا می‌رود. ولی اگر اینچنین نباشد مقدار حداقل دستمزد همان مبلغ تعیین شده وزارت کار است. تازه باید توجه داشت که وزارت کار دولت سرمایه‌داران نیز حداقل دستمزد را بر مبنای تامین هزینه‌های حداقل معیشت زندگی کارگران تعیین نمی‌کند.

صفحات دیگر را ورق می‌زنیم. نه خیر! هنوز خبری از ارزیابی کارکارگران کارخانه نیست. بلکه بعد از موارد فوق اکنون می‌بایست با بقیه کارکارگران موجود در کارخانه راجعاً کرده اند. که بطور متوسط شده است ۷ سال برای ۵۵۷ نفر کارگر سپس میانگین دستمزد فعلی کارگران را حساب نموده اند: ۹۸۸/۵ ریال، آنگاه میزان تحمیلات موجود را بررسی کرده اند که میانگین آن شده است ۴ کلاس ابتدایی.

بله: تاکنون تا حد زیادی روشن شده است که سرمایه‌داران از اجرای طبقه بندی مشاغل چه هدفی را تعقیب میکنند. برای آنها ارزش واقعی کارکارگران معنا و مفهومی ندارد. برای آنها تولید بیشتر و سود بیشتر مطرح است و همین دلیل است که در یک کارخانه ابتدا به تعیین مهمترین عوامل موجود در جریان تولید می‌پردازند. بعد حقوق کارگران را از طریق امتیاز دادن به این عوامل تعیین میکنند. برای آنها ارزش کار کارگران تنها در رابطه با تولید و افزایش آن تعیین می‌شود. نگاه‌های به

بررسی های فوق نشان می‌دهد که در روند تولید این کارخانه سواد اهمیت چندانی نداشته و برعکس باید نیروی جسمی با مهارت و دقت در کار نقش مهمی داشته باشند. پس می‌شود از هم اکنون حدس زد تقسیم امتیازات بین این عوامل چگونه خواهد بود. حال اینکه اگر در کارخانه‌ای دیگر سواد تخصص اهمیت بیشتری در روند تولید داشته و نیروی جسمی اهمیت چندانی نداشته باشد مسلما امتیازات برعکس اینجا خواهد بود. از همینجا است که سرمایه‌داران حاضر نیستند ارزش یکسانی برای کارکارگران یک رشته (مثلا پرکار) در سراسر ایران قائل باشند چون در تمام کارخانه‌ها همه رشته‌های شغلی نقش یکسانی در تولید ایفا نمی‌کنند.

ورق دیگری می‌زنیم. اکنون دیگر وقتش بود تعیین کنند که به چه عواملی و تا چه حد امتیاز باید داده‌د تا کارگران حقوقشان بر مبنای آن تعیین شود. آنها پس از جمع بندی و تجزیه تحلیل روند تولید ۹ عامل را در این کارخانه برای ارزیابی مشاغل تعیین کردند، که بدین ترتیب می‌باشد: ۱- تحصیلات لازم برای انجام کار (بدون امتیاز) ۲- تجربه لازم برای انجام کار (بیشتر تا ۱۷ امتیاز) ۳- شرایط محیط کار (۱۰۰) ۴- خطرات اجتناب ناپذیر (۶۰) ۵- مهارت و دقت (۱۰۰) ۶- قوای بدنی و نیروی جسمی مورد نیاز (۱۲۰) ۷- سرپرستی (۱۲۰) ۸- مسئولیت در مقابل مواد محصول (۶۰) ۹- مسئولیت در مقابل دستگاهها و ابزار (حد اکثر تا ۱۲۰ امتیاز)."

اما سومین نکته امتیازاتی است که برای عوامل مختلف شغلی در کارخانه تعیین می‌شود. ایمنی مرحله از عمل مجریان سرمایه‌داری نیز دید آنها را از اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بخوبی نشان میدهد. از امتیازات ۹ گانه بالا خوبیی مشخص است که چه عواملی در این کارخانه نقش بیشتری در تولید دارند. تولید و سود کارخانه دارند. مثلا تولید این کارخانه آنچنان بسی اهمیت است که اصلا امتیازی برای آن قائل نشده اند. ولی برای عامل "سرپرستی" که به اکثر کارگران ربطی نداشته ولی نقش مهمی برای سرمایه‌داران در گردش تولید دارد ۱۲۰ امتیاز تعلق می‌گیرد. آری



# بازگشائی دانشگاهی مردمی، آزاد، شورائی، خواست مردم ایران است

بقیه از صفحه ۱

نگاهی به وضع دانشگاهها پس از قیام ونقشی که نیروهای انقلابی و مترقی در این مراکز آگاهی ایفا کردند پیرده از روی این معما میارند که چرا دانشگاهها را بستند؛ حاکمیت به قدرت خزیده که از همان ابتدا کمر به مهار جنبش توده ها و انحراف مبارزات فدا مبریا لیستی-دمکراتیک خلق بسته بود، از همان آغاز دانشگاهها را "بمب خوشه ای" تموز میکرد. از یکسوا حاکمیت که سیاست بازاری اقتصادی بسته و مبارزات با امپریالیسم را دنبال میکرد اما در دانشگاهها راه جهت تربیت نیروی متخصص مورد نیاز سرمایه داری وابسته ضروری میدانست و اما از سوی دیگر آنان که "سازاران" خواسته بودند "باسبیل عظیم" غروشان توده های زحمتکش مواجه شده بودند از وجود سنگرهای آزادی و آگاهی یعنی دانشگاهها که نقش شان در تعمیق وجهت دادن مبارزات فدا مبریا لیستی - دمکراتیک مردم میهنان بیش از پیش افزایش یافته بود، بیمناک بودند. حاکمیت تموز میکرد با ایجاد "انجمنهای اسلامی"، دانشگاهها را تحت کنترل خود در آورد ولی با گذشت زمان و از دست دادن حمایت توده ها به "خطر" دانشگاهها که نه کانون عمده افشاکری علیه سیاستهای فدا انقلابی رژیم در مورد زحمتکشان و خلقهای کرد و ترکمن و ... تبدیل شده بودند، پی برد. از اینرو از همان ابتدا هر دو جناح حاکمیت علیه "اختلافاتشان" در شیوه عمل، مبارزات همه جانبه را بر علیه نیروهای انقلابی در دانشگاهها آغاز کردند.

هیئت حاکمه برای "استقرار حاکمیت خود در دانشگاهها" و جلوگیری از پیوند روزافزون دانشگاهیان انقلابی با کارگران و زحمتکشان که بطور وسیعی بسته دانشگاهها برای کسب آگاهی و آرزو شده بودند، توطئه های رنگارنگی را آزمایش کردند. لکن همه این تشبیهات با هشجاری دانشگاهیان آگاه و انقلابی خنثی شد و هیچیک از تلاشهای حاکمیت شمری نداشت. با گسترش نارفا پتی عمومی و اوج گیری اعتراضات کارگران و زحمتکشان و اقبال تبیین مبارزات چریکهای ارتجاعی و فدمردمی-لیستی حاکمیت تشدید می یافت. در فروردین ماه حمله جدید به خلق کرد آغاز میشد و فشار به نیروهای انقلابی شدت میگرفت. در چنین موقعیتی توطئه جدیدی برای به بند کشیدن،

دانشگاهیان چیده شد. با پیام آیت الله خمینی و اعلام "امریکائی بودن دانشگاهها" (این سنگرهای که در سراسر سالهای خفقان آریا مهری پرچمدار مبریا لیستی دمکراتیک و فدا مبریا لیستی خلقهای میهنان بودند) نقشه یورش به دانشگاهها تحت پوشش عوام فریبانه "انقلاب فرهنگی" طرح بزرگ شد. گرچه جزئیات این طرح فدمردمی توسط دانشگاهیان فاش شد لکن بعد از یک سری زمینها زبانه ها و سخنرانیها توسط سران حزب جمهوری اسلامی حمله به دانشگاههای سراسر کشور آغاز شد. روز اول اردیبهشت دانشگاهها به محنه نبرد خونین میان نیروهای مترقی از یکطرف و جماعت بدستان این مملکت "انقلاب فرهنگی" و پاناسداران سرمایه از سوی دیگر بدل شد و طبعی درگیری چند روزه مدها نغری خاک و خون کشیده شدند. این روزها دیگر خاطره "روز ۱۶ آذر ۳۲ اعتراضی کرد که چگونه رژیمهای فدمردمی آنجا که خواسته اند مبارزات توده ها را سرکوب کنند ابتدا دانشگاهها را به خاک و خون کشانند؛ دانشگاهیان انقلابی و مبارزان جمله دانشگاهیان پیشگام به مقاومت و پایداری برابر یورش سازمان یافته که علیه حقوق و آزادیهای دمکراتیک در میبسط دانشگاهها انجام می گرفت، برخاستند. آنها نه دفاع از منافع وردهائی که با مبارزات قهرمانانه خلق به کف آورده بودند برداختند. سرانجام پس از چند روز مقاومت، با گشتار و ضرب و جرح چندین نفر از مبارزان دانشگاهیان و نیروهای سرکوبگر در جلوی آنها آقای بنی صدر دانشگاهها را به تسخیر خود در آورده و بزعم خود "حاکمیت دولت را در دانشگاهها" مستقر ساختند. بنی صدر در سخنرانی خود در دانشگاه "روز ولادت حاکمیت دولت" را جشن میگیرد و نشان میدهد که در برقراری امنیت برای سرکوبگران خلق و سرمایه داران وابسته از "قاطعیت" چشمگیری برخوردار است. در ادامه این تهاجم، دانشگاهها از هر دو طرف برای مدت نامعلومی تعطیل شدند. حاکمیت بمنظور سرپوش نهادن بر جنایات خود توجیه تعطیلی دانشگاهها، در شرایطی که نیاز به پزشک، معلم و مهندس و ... بیش از هر زمان دیگری احساس میشود، اقدام به ایجاد "شورای هفت نفره" انقلاب فرهنگی میکند. دانشگاهها به تسخیر "جهاد دانشگاهی" که در بزرگترین تهاجم حزب جمهوری اسلامی همچون "شمنهای

اسلامی"، "دفتر تحکیم وحدت"، "جامعه اسلامی دانشگاهیان و ... است، درمی آید و با استفاده از این فرصت "جهاد دیون" به پراکنده ساختن دانشگاهیان و استادان انقلابی و مترقی می پردازند. در همین هنگام چندین نفر از زندانیان از جمله رفقا دکتر نریمیا، علوی شوشتری و فرامرز حمید به جوخه اعدام سپرده شدند و مدتها استادان انقلابی و مبارزان تصفیه عقیدتی گردیدند. موج سرکوب خلق کرد، حمله به حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی دانشگاهیان گسترده تری یافت و در حقیقت اهداف واقعی "انقلاب فرهنگی" به مرحله اجرا گذارده شد.

اما مبارزات دانشگاهیان و استادان انقلابی همچنان ادامه یافت. بدنیاال اعتراضات وسیع و افشاگریهای مداوم در مبارزات توطئه تعطیلی دانشگاهها، دانشگاهیان مترقی مردم را به شرکت در مراسم بزرگداشت "۲۳ دی" سالگرد بازگشائی دانشگاهها در سال ۷۷ که بدست توانای توده ها انجام گرفت فراخواندند.

شرکت مردم در این مراسم که علی رغم تلاشهای همه جانبه نیروهای فدا انقلابی وابسته به حزب جمهوری اسلامی، صورت گرفت، مشت محکمی بود بر دهان پاره گویانی که میکوشند با طرح شعارهایی چون "امریکائی بودن دانشگاهها" توده های زحمتکش را از دانشگاهها دورنگه دارند و برای اقدام فدمردمی خود مستمک می ترانند. "لیبرالها نیز که موقعیتشان در حاکمیت تضعیف گشته، میکوشند که با سوار شدن بر موج نارفا پتی ها و دفاع دروغین از دمکراسی و بازگشائی دانشگاهها، با راه ملسی گناه "را بردوش رقیب گذاشته و با آزادیخواه و دمکرات قلمداد ساختن خویش و "استادگی" در مقام مسئول اقدامات فدمکراتیک حزب جمهوری اسلامی، به کسب وجهه در میان دانشگاهیان و توده ها بپردازند. اما گسترش مبارزات دانشگاهیان مبارز و نیروهای انقلابی نشان داد که وقتی پای دانشگاهی مردمی، آزاد و شورائی در میان باشد، آقای بنی صدر و سایر لیبرالها به همان میزان "آزادخواه" و "دمکرات" اند که سران حزب جمهوری اسلامی فدا مبریا لیستی می باشند!

اکنون که نزدیک به یکسال از تهاجم به دانشگاهها و اتمام از تعطیل آنها می گذرد، مراسم از خود می پرستانده بقیه در صفحه ۱۶

## پیش بسوی بازگشائی دانشگاهها بانظام شورائی





## از میان گزارشها

# مردم چه می گویند، مردم چه می خواهند؟

تا کسی نزدیک چهارراه ایستاد و مسافری سوار شد. راننده پرسید: کجا؟ مسافر که مردی زحمتکش ۴۵ ساله بنظر میرسید و سرو وضع پیرشانی داشت گفت: بلوار ملت، چند ثانیه نگذشته بود که مسافرت از راه او جدا شد. "اسم همه چی ملته، اما هیچی مال ملت نیست..." راننده تا کسی که متوجه عصبانیت زیاد مسافر شده بود با خنده پرسید: مگه چه شده داداش؟ مرد ۴۵ ساله با آه بلندی که نشانه دل دردمندش بود، گفت: چی بدتر از این که فرش زیرپا و اثاثیه زندگی تو بفروشی و با بدبختی چهار رتا جرور روی هم بگذاری، آنوقت بیان خونه ات روروست خراب کنی... "مرد، در حالیکه به سختی بغض را فرومی داد دیگر نتوانست حرفی بزند و ساکت شد... راننده با صورتی که از نا راحتی سرخ شده بود، بدنبال جمله مناسبی

میگشت دستش را پشت سرمرد گذاشت و گفت: "خودتو کنترل کن برادر! درست می شه... چند لحظه همه ساکت بودند، در همین موقع زنی که چادر رنگ و رو گرفته بسر داشت و ده ساله بنظر میرسید پرسید: آقا مگه خونه تون کجاست؟ مرد زحمتکش گفت: "نورآباد تهرانه زن پرسید: الان چکار می کنی؟ مرد مسافر گفت: "هیچکار بازن و چهار بچه ام رفتم سمنان پیش بردارم، الان توی خونه برادرم هستم و سپس ادا مه داد می دونید چه کسی منو در بدر و بی خانمان کردند؟ هموناشی که سنگ مستضعفین رو به سینه می زنن... هموناشی که قبل از رسیدن به قدرت برنامہ خارج از محدوده شاه و نیک پی شهردار او رو "فد مردمی" می خواندن. او تا منو از خونه ام بیرون انداختن... من با کنجکاوای پرسیدم: آیا شما اعتراضی و شکایتی نکردین؟ مرد زحمتکش جواب داد: چرا خیلی اعتراض کردیم اینطرف و آنطرف دویدیم، سرآخربه بهانه جنگ و بیاهمیت "ضد انقلابی" و اینکه "مملکت قانونداره" دهانما زبویستن... و در حالیکه بمقصد رسیده بود می خواست از تا کسی پیاده شود گفت: همینقدر فهمیدم که "آریا مهر" روا زبین بردیم اما قانونهای آریا مهری هنوز وجود دارن ●

## بازگشائی دانشگاه...

بقیه از صفحه ۱۵

این انقلاب با اصطلاح فرهنگی جز دهها تن کشته و صدها مجروح، به هدر دادن نیروی عظیم صدها هزار دانشجو و هزاران استاد و بلا تکلیفی بیش از پانصد هزار دیپلمه آماده ورود به دانشگاه، چه مرهای داشته است. مردم از خود می پرسند که چگونه است که فرزندان زحمتکشان به بهانه "مضمون ماندن از نفوذ فرهنگ غرب" از ادامه تحصیل در دانشگاههای داخل کشور محروم می شوند، در حالیکه فرزندان سرمایه داران و اقطاع رمرغه در دانشگاههای آمریکائی، انگلیسی، فرانسوی و... تحصیل می کنند و سالیانه ۱۴ میلیارد تومان خرج تحصیل آنها می شود. مردم از خود می پرسند که چگونه دانشگاهها به بهانه "غرب زدائی" تعطیل میشوند و هزاران استاد و کارمند بیکار میگردند، اما "شورای عالی تالیف، ترجمه و تمحیح" وابسته به "ستاد انقلاب فرهنگی" صدها استاد را بی هدف به ترجمه "کتابهای غربی" می گمارد. و سرانجام مردم از خود می پرسند که در این ده ماه که از تعطیلی دانشگاهها می گذرد، شورای هفت نفره انقلاب فرهنگی "که در حال حاضر به "ستاد ۵ نفره" تقلیل یافته است، جز طرح مشتق شعارهای عوام فریبانه، چه کرده است. و رژیم که می بیند مردم روز به روز بیشتر به اهداف ضد مردمی او در بیستن دانشگاهها پی برده اند دیگر نمی تواند ندانند گذشته همچنان از بیستن دانشگاهها دفاع کند. ناچار است شیوه نرم تری را بکار برده و این بار مسئله باز شدن دانشگاهها را منتهی با شرط و شروطی مطرح کند. از این جهت است که

## نگاهی به وضعیت طب و درمان

بقیه از صفحه ۱۱

مدیریت، پس از قیام عمدتاً بسوی انجمنهای اسلامی جلب شده بودند، بتدریج به ما هیت و عملکرد عمومی آنها آنگاه شده و اعتمادشان به آنها در هم می شکند. در چنین شرایطی نقش عناصر آگاه و مبارز جهت ارتقاء آگاهی آنان امری ضروری و تشکل آنها حول شوراهای واقعی کارگران و کارکنان بیمارستانها جهت پیشبرد خواستههای اقتصادی و سیاسی خود، از وظایف انقلابیون است. مبارزات این بخش از زحمتکشان جامعه جدا از مبارزه در سایر سطوح جامعه نبوده و

می بینیم این با ریپام آیت الله خمینی برخلاف گذشته لحن ملایم تری میگردد و اشعار میدارد که: "شورای انقلاب فرهنگی لازم است با کوشش فراوان و افزایش گروههای متعهد و متخصص کار خود را به نتیجه رسانده و در باز شدن دانشگاهها در این سال جدا علی توان خود را بکار ببرند." اما نیروهای مترقی که در یک سال گذشته پرچم بازگشائی دانشگاه این سنگرزادی و آگاهیه را بدست داشته اند با قاطعیتی بیشتر به مبارزه خود ادامه میدهند. زیرا معتقدند در مقطع کنونی مبارزه برای بازگشائی دانشگاهها یکی از مبرمترین وظایف نیروهای انقلابی بخصوص دانشجویان، دانشگاهیان و دانش آموزان مبارز بشمار میرود. امروز مبارزه برای بازگشائی دانشگاهها، آزادی مردمی، آزادی و شورش است. خواست توده های وسیع میهنمان است، و قدمی در جهت تامین و گسترش حقوق دمکراتیک مردم و تجمیع مبارزات - ضدامپریالیستی میهنمان است. این وظیفه نیروهای انقلابی و دانشجویان و استادان انقلابی و دانشجویان و استادان مبارز و آگاه است که مبارزات خود را برای بازگشائی دانشگاهها که از طریق شوراهای واقعی (منتخب دانشجویان، استادان و کارکنان) اداره شده و تغییرات نظام آموزشی از طریق این شوراهای تحقق یافته در آنها آزاد فعالیتهای سیاسی و صنفی تا مین شود، گسترش دهند. دانشجویان و دانش آموزان آگاه و مبارز با یدیا افشاءگری وسیع و همه جا نبه پیرامون توطئه تعطیلی دانشگاهها و علل عدم بازگشائی آنها به آگاه کردن مردم و بسیج و هدایت آنها بپردازند. باید به آنگاه که توده ها دانشگاهها را باز کنیم و با تداوم مبارزه در جهت هر چه مردمی کردن دانشگاههای کشور در هر ای دانشگاهها و مدارس عالی زبانه روی - فرزندان زحمتکشان بگشائیم ●

تنها پیوند مبارزات تمام کارگران و زحمتکشان ضامن تحقق خواستههای برحق آنان است. این یک واقعیت است که دولت جمهوری اسلامی بنا بر ما هیت طبقاتی اش نه می خواهد و نه می تواند اندام مردم را و بیهاد است را ببنفع زحمتکشان حل کند. اما زحمتکشان میهن ما با یدبا مبارزه پی گیر خود دولت را مجبور کنند که بدون اختصاص اینهمه مبلغ عظیم که صرف ارگانهای سرکوبش می کند، بمالغ هنگفتی را به درمان و بهداشت و ایجاد مراکز درمانی بالاض در سطح روستاها اختصاص دهد و تمام مراکز درمانی و بهداشتی بصورت رایگان و در خدمت تمام زحمتکشان اعم از کارگران، دهقانان، کارگران فصلی قرار گیرند ●

# چه کسانی "اسب تروای امپریالیسم و ضد انقلاب" هستند؟ ①

احزاب و سازمانهای انقلابی و گراگری را ممنوع ساخت، بجز "حزب کمونیست (بخوان رفرمیست) آرژانتین" را - آنهم زیر پوشش عباراتی خائفانه و خائنانه ای چون: "گرایش آرژانتین دمکراسی است، درحالیکه دردیگرجا ها فاشیسم اعمال میشود، به این دلیل که خونهای نظامی در بوئینس آیرس احزاب سیاسی را مانع نمیشود، خونتا دائما علیه فساد سخن میگوید و خواهان اعاده دمکراسی است!" (از مصاحبه معاون سازمان جوانان "حزب کمونیست آرژانتین" در مجله اسپانیولی زبان کامیو CAMIO شماره ۲۶۲). در فرانس - در دیکتاتور توری پرولتاریا و استان بوسی بورژوازی از زبان جورج مارش، دبیر کل "حزب کمونیست فرانسه"، در گزارشی که به کنگره ۲۲ "حزب کمونیست فرانسه" ارائه میدهد: "اگر دیکتاتور توری پرولتاریا در سند پیش نویس ما به منظور تعیین قدرت سیاسی در فرانسه سوسیالیستی که برای آن می جنگیم دیده نمیشود، بخاطر این است که این عبارت، واقعیت سیاسی ما را، واقعیت چیزی را که به کشور پیشنها می نمائیم بیان نمیکند... دیکتاتور توری، بصورت اتوماتیک، رژیم های فاشیستی هیتلر، موسولینی، سالازار و فرانکو، سلب دمکراسی را بخاطر می آورد و این آن چیزی نیست که ما آرزو می کنیم". باز هم در ایران - و این بار از زبان رفرمیست های تازه بدوران رسیده "کمیته مرکزی" - منشیین راست: "آیت الله منتظری در روز ۲۲ دی ماه در جریان دیدارش با مسئولین آموزش پاسداران متذکر گردیدند، سپاه با پدیده سلاح سنگین مجهز شود... آنچه که از سوی آیت الله منتظری و نیز مسئولین آموزش پاسداران اعلام شده است چیزی نیست جز بیان آن حقیقتی که به قیمت تلفات و ضایعات جبران ناپذیر بدست آمده است". (ارگان سراسری منشیین راست - شماره ۹۴ صفحه ۱۵) و گفتنی است که این مدیحه سرائی از سپاه پاسداران در همان صفحه ای آمده است که در پائین صفحه زیر عنوان اخبار کردستان چنین می خوانیم: "در تاریخ ۱۵ دی ماه مردمی که برای خرید کپسول گاز فک کشیده بودند با رسیدن خود روحا مل پاسداران که حالت تهاجمی علیه آنها داشت پایه فرار می گذارند. در این حال پسر بچه ۱۳ ساله ای که اقدام به فرار ننموده و حرکت افراد سپاه را نظاره میکرد توسط بقیه در صفحه ۱۹

بورژوازی برایش پرتاب گشته است. بهای این بقاء را، رفرمیست ها همیشه به شرط و بهر قیمت و تحت عناوینی چون: "مشروعیت"، "قانونیت"، "جلوگیری از رسیدن بورژوازی و دفاع از میهن" و بالاخره پذیرفتن "راه رشد غیر سرمایه داری" نیز پرداخته اند. آنچه که همیشه و هر جا در برابر خائنین به طبقه کارگر فرار دارد، این است که چگونه میتوان ماند، و نه چیزی در حد کسب قدرت توسط پرولتاریا. نه! بزعم آنان پذیرفتن این امر بمعنای غلطیدن در "ماورا" چپ است. بهای این "ماندن" رانیز رفرمیست ها تاکنون چه "خسب" پرداخته اند: در آلمان - با رای دادن به اعتبارات جنگی در نخستین جنگ جهانی امپریالیستی، توسط خیلی از نمایندگان دروغین طبقه کارگر - برهبری کائوتسکی مرتد، در روسیه - با شرکت در کابینه گرتسکی پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷، و ارائه چشم اندازی مبنی بر اینکه برای پرولتاریا ایستادن زودرس است که مسئله انقلاب سوسیالیستی، خرد کردن ماشین دولتی بورژوازی و کسب حاکمیت را در دستور خود قرار دهد، و با بدبختی رتکار سرمایه داری حداقل برای دوده در روسیه نشست. در ایران - با دیویزگی و سر نهادن بر استان بورژوازی با این عبارات که "نسبت کمونیستی به حزب توده ایران، نسبتی که دسته سید ضیاء میکوشند بیما وارد سازند و بیدان وسیله سعی دارند سرمایه داران و تجار ایرانی را از ما بترسانند، نسبتی است غلط و دور از حقیقت. حزب توده ایران حزبی است مشروطه خواه و طرفدار قانون اساسی" (روزنامه رهبر شماره ۲۸۰ - ۱۳۲۲/۲/۷)

درال سالوادور - با حمایت بی قید و شرط از بورژوازی "خودی" در جنگ ارتجاعی بین دو بورژوازی ال سالوادور و هندوراس، در سال ۱۹۶۹، تحت عنوان عوام فریبانه "میهن در خطر است".

باز هم در ایران در طول حکومت شبیه فاشیستی شاه و در تائید املاحات شاهانه و در راستای "افشاء و طرد ماورا" چپ با این عبارات که: "اینان نمی خواهند این واقعیت را ببینند که همین اصلاح ارضی، همین کورس صنعتی کردن کشور همین شناسائی حقوق زنان... خود در آخرین تحلیل بخشی از خواسته های مردم ایران است" (مجله دنیا شماره اول - سال ۱۳۵۲). در آرژانتین - در زیر چکمه های خونین دیکتاتور ویولا، قصاب خلق آرژانتین، که فعالیت همه

"چپ های ما آنچنان خواب زده اند که حتی منطق واقعیت ها نیز، قادر نیست پیلها و هاشان را از هم بدرد آنها این مسئله را درک نمی کنند که با طرح شعار "افزایش تولید خواست سرمایه داران است" (آنهم در شرایطی که رژیم عراق در همسویی کامل با امپریالیسم آمریکا مراکز اقتصاد را تخریب میکند) عملات نقاش توای ضد انقلاب را در تخریب تولید دیده میگیرند. (ارگان سراسری منشیین راست - شماره ۸۸)

"این گروهکها (ماورا) انقلابی و ماورا (چپ) در ایران نیز به ترکاندن لوله های نفت، تش زدن خرمن ها، سوء استفاده از مطالبات بحق واحدهای ملی در کردستان و ترکمن صحرا، بلوچستان و خوزستان، و ادا شدن کارگران و دهقانان به اعتبار و تحمیل و احترام زکار، آشفته کردن دانشگاهها و مدارس، دشنام گویی به همه نیروهای اصیل انقلاب و خورد کردن اعتبار دولت انقلابی و پخش اطلاعات سفسط آمیز درباره آموزش انقلابی مشغولند". (مردم ارگان "حزب توده" شماره ۲۴۱ - ۱۳۵۹/۳/۱)

بکار رفتن عبارات "ماورا" چپ و "اسب تروای امپریالیسم و ضد انقلاب" در مورد انقلابیون کمونیست، هر چند که این روزها، بگونه ای خیانت بار و کوله باری از تحریف و قلب حقایق تاریخی، از جانب سوسیال رفرمیستهای ما، این خائنین به طبقه کارگر، انجام میگیرد، اما در تاریخ جنبش جهانی کارگری و کمونیستی، پیشینه های طولانی دارد.

آنچه که در گسترده زمانی پیش از صدوسی سال از انتشار "مانیفست کمونیست" به این سو، در پهنه مبارزات طبقه کارگر در سراسر گیتی، بروشنی چشم میخورد، ستیز دائم بین دوجریان، بین دو خط، بین دو گرایش بوده است. گرایشی که استوار بر بنیاد آموزشهای "موزگار" کبیر سوسیالیسم علمی، هرگونه "پنهان نگا داشتن نظریات و نیات خویش را، ننگ میدانند و آشکارا اعلام میدارند که تحقق هدف های پیش تنها از طریق سرنگونی قهر آمیز تمام نظام اجتماعی موجود، میسر خواهد بود. (مارکس - انگلس: مانیفست کمونیست) و در این راستا آنچه را که لحظه ای نیز از دیده فرو نمی نهد، همانا گام نهادن در طریق کسب حاکمیت توسط پرولتاریا و خورد کردن ماشین دولتی بورژوازی است، و گرایشی دیگر که هم و غم اش بقیای خود است و بهره بری از خرده وریزه هایی که از سفره چپ سال

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری"

دیکتاتور خاتمه داد حمله

# وضعیت فلاکت بار کشاورزی وسیاستهای...

بقیه از صفحه ۴

با زاء هر کیلو گندم ۲۰ ریال بس...  
دهقانان پرداخت، برای هر کیلو سو...  
گندم وارداتی ۶۰ ریال از کیسه تنسوده...  
های زحمتکش به کشورهای امپریالیستی...  
واریز کرد.

راه حل دیگر رژیم جیت مقابله با...  
کاهش تولید و بهبود زندگی دهقانان...  
"اهداء" وامهای کشاورزی است، که...  
عملکرد و شیوه پرداخت آن دست کمی از...  
نورد قبلی ندارد. در حالیکه، بنا به...  
آمار منتشره از سال ۵۷ تا کنسوسون،...  
میزان پرداخت وامهای کشاورزی...  
افزایش نشان میدهد، تولیدات...  
کشاورزی کاهش داشته اند. این امر...  
ثابت میکند که افزایش این وامها و...  
پا افتادن سابر تسهیلات، بختهای...  
و تا وقتی که مسائل اساسی دهقانی حل...  
نشده باشد، نمیتوانند در افزایش تولید...  
موشربا شد.

محکوم به شکست است و تحت شرایط...  
موجود جا معه - تنها یک راه حل انقلابی...  
دموکراتیک می تواند با سخگوی مطالبات...  
تاریخی و سوبین دهقانان و از این طریق...  
راه حلی برای رفع مشکلات موجود در...  
عوزه، کشاورزی باشد. این راه حل...  
انقلابی - دموکراتیک را دهقانان...  
خود در مبارزاتشان داده اند، یعنی...  
سلب مالکیت از زمینداران بزرگ به...  
شیوه معادله انقلابی و تشکیل شورا -...  
های دهقانی.

راه حل انقلابی - دموکراتیک سلب...  
مالکیت از زمینداران بزرگ یعنی...  
معادله اراضی آنها توسط دهقانان...  
این امر توسط رژیم نمیتواند به پیش...  
برده شود، حاکمیت تنها تحت فشار شدید...  
مبارزات دهقانی تن به عقب نشینی...  
هایی موقتی می دهد و به یک اطلاعات...  
ارضی معتدل و بهر و کراتیک دست...  
میزند، تا هر آنچه را که ممکن است از...  
گزند و معادله انقلابی دهقانان نجات...  
دهد، تا بر آتش تند مبارزات دهقانان...  
آب بریزد و آت را خاموش کند...  
زمانی که شرایط آماده شود حاکمیتش...  
تشبیه شد، هر آنچه که داده باشد زستاند.

آیا تجربه توقف بند "ج" جز این بود؟  
شیوه دموکراتیک سلب مالکیت...  
از زمینداران بزرگ، حرکت دسته جمعی...  
و متحد دهقانان را می طلبد. شورا های...  
دهقانی ضرورت اجتناب ناپذیر این...  
حرکت است. شورا های دهقانی، نه فقط...  
برای معادله اراضی مالکان ضرورت...  
می یابد، بلکه برای حفظ و تداوم آنچه...  
را که دهقانان در این مبارزات انقلابی...  
به دست می آورند، نیز لازم می آید. ویس از...  
آن، دهقانان منفرد (حتی ما حزب زمین...  
بمقدار کافی) که در شورا های دهقانی...  
مشکل نباشند، بزودی در مقابل صف...  
سرمایه داران، سوداگران، پیمانکاران...  
ربا خواران، سلف خرها، خود خواهند...  
شد. حال آنکه دهقانان متشکل در...  
شوراها توان و قدرت بیشتری به مقابله...  
با این استثمارگران خواهند پرداخت...  
موضوع دیگر اینکه دهقانان منفرد...  
توانایی استفاده لازم از امکانات...  
(آب، بذر، وام، تراکتور، ... ) را...  
ندارد. در حالیکه دهقانان متشکل در...  
شوراها توان بیشتری می گیرند...  
امکانات را بخدمت می گیرند.

## نامه يك رفیق از قائم شهر به نشریه "کار"

سلام بر رفقای تشبیه کننده نشریه کار  
رفقا

من پسر یک کشاورز هستم. محصل...  
هستم. مدتی پول ناچیز روزانه ام را...  
جمع کرده ام تا بتوانم کمک مالی...  
مختصری برای سازمان بفرستم چون...  
وظیفه هر رفیق است که از هر جهت در راه...  
سازمان بکوشد. شعری هم سروده ام،...  
امیدوارم بتواند برای مردم، برای...  
زحمتکشان مفید باشد.

با ایمن به پیروزی طبقه کارگر...  
یک رفیق از قائم شهر.

می نشیند و فکر می کند  
و از رنج نداری  
دیرینه خانه می آید  
تا کمترین مانع نگاه کند  
به چهره زرد و تکیده برادرم  
به جوراب های پاره، ما  
و به نگاه خسته ما درم

دل می گیرد  
وقتی صبح سحر  
صدای زمزمه ما درم را می شنوم:  
خرجی

و صدای آرام و مهربان پدرم را می شنوم:  
ندارم، فردا

و فردا تمام نشدنی است  
برای ما درم

دلم آتش می گیرد  
در خود بیای می خیزم  
در کوچه بیباخته پیش می روم  
و انبوه بیباختگان را  
در همه جا می بینم  
ما بیباخته ایم  
در دلبها خسته است  
زخم و زحمت و رنج بیباخته است  
شما زحمتکشان بر لبها  
خشم زحمتکشان در مشتها  
و پرچم سرخ زحمتکشان  
با دای سرخ  
با چکش سرخ  
با ستاره سرخ  
و با سلاح سرخ  
در آینه نزدیک  
ما بیباخته ایم  
ما بیباخته ایم.

شیوه پرداخت این وامهای کشاورزی...  
را هم میتوان از گفتگوی آقای سلامتی...  
وزیر کشاورزی با روزنامه جهاننگرد...  
بدست آورد. وی در این گفتگو اظهار...  
داشت: "ستاد خلق ترکمن از فتودالها...  
طرفدار می کرد و بعد از جنگ زارعان...  
زمینها را گرفتند. اما چون سند ندارند،...  
ما از نظر قانونی نمیتوانیم به این...  
عده وام بدهیم. و خودشان هم امکانات...  
گشت ندارند. (جهاننگرد شماره ۷). این...  
است نمونه ای از دشمنی آشکار حاکمیت...  
با زحمتکشان روستا. ما در اینجا فعلا...  
به این نوع دروغپردازیها دربار ستاد...  
خلق ترکمن و عملگردان کاری نداریم...  
اما جالب است، پس از دو سال که از...  
قبلا مابین ما می گذرد، رژیم جمهوری...  
اسلامی که مدعی حمایت از "مستضعفین"...  
است، از پرداخت وامها کسر خوش نشینان...  
و دهقانان کم زمین، یعنی زحمتکشترین...  
و محرومترین اقشار روستایی خود داری...  
می کند! انهم با علم کردن قوانین رژیم...  
شاهنشاهی که برای حفاظت از منافع...  
بزرگ مالکان وضع شده بود، و حالا این...  
رژیم میراث دار آن شده است.

## زمین و شورا

ورشکستگی کشاورزی نتیجه منطقی...  
سیاستهای است که حاکمیت در حفظ و...  
بازسازی نظام سرمایه داری حاکم بر...  
ایران بر عهده دارد. از این رو کلیه...  
سیاستهایی که رژیم مینهنه کشاورزی به...  
اجرا در می آورد، و از آنجا شیکه حفظ...  
مالکیت زمینداران بزرگ بر اراضی...  
را در نظر دارد، با شکست مواجه می شود...  
هرگونه راه حلی که در مقابل بنا...  
خواست توده های دهقانی قرار گیرد،

# سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

## به نقل از سومین شماره "خبر" نشریه شاخه گیلان سازمان

اخیرا بخشنامه ای از طرف دولت برای جایکاران ارسال شده در آن از جای کاران خواسته شده که ۴۰٪ از باغ چای خود را هرس کنند (ساقه را ببرند)، در بهار گذشته که محصول باغها از بار آوری خوبی برخوردار بود کارخانه ها نتوانستند تمام میبرگهای سبز چای را تحویل بگیرند به همین علت ما شاهد هجوم و تجمع و حتی اعتراض کشاورزان در مقابل کارخانه ها بودیم حتی کشاورزان برای تحویل برگ تا پاسی از شب در مقابل کارخانه ها منتظر می ماندند که این وضع موجب عکس العمل اعتراضی جایکاران گشت و دست به حرکت اعتراضی در لاهیجان زدند. با توجه به اینکه امسال زمینه حرکت اعتراضی بخاطر ناراضی شدن زحمتکشان از وضع بد زندگی بیشتر از سال قبل فراهم است رژیم میخواهد با کم کردن تولید مانع هجوم و تجمع جایکاران به کارخانه ها گردد تا بدینوسیله از هرگونه حرکت اعتراضی

پیشگیری شود. از طرف دیگر اگر ۴۰٪ از باغ چای هرس شود چای مرغوبتری تولید میشود و این منفع کارخانه داران است. و از سوی دیگر دولت نیز از کمبود چای داخلی در بازار استفاده کرده و اقدام به وارد نمودن چای خارجی می نماید. در شرایطی که کشاورزان گیلان بر اثر وضع بد اقتصاد خواهان رسیدگی به وضع کشاورزی میباشند، دولت جمهوری اسلامی نه تنها به وضع کشاورزی رسیدگی نمی کند و نه تنها دیون و بدهیهای کشاورزان را تسویه نمی کند، بلکه برای رسیدن به اهداف خود که چیزی جز خدمت به سرمایه داران داخلی و خارجی نیست مانع آن میشود که کشاورزان حتی از تکه زمینهای خود بهره وری کامل را بنمایند.

اخیرا نصاری استاندار گیلان به سیادان منطقه اطلاع می دهد که هر کدام با پرداخت ۵۰۰ تومان میتوانند از طریق استاندار بنزین قایقهای موتوری خود را تامین کنند! و بدین ترتیب از هر سیاده ۵۰۰ تومان وصول میشود. سیادان پس از چند هفته می بینند از بنزین خیری نیست به استاندار میجدد! مراجع کرده و به تاخیر تحویل بنزین اعتراض میکنند، استاندار جواب می دهد "بنزین نداریم و سپس سیادان بخواهد راضی می کنند و استاندار گیلان جواب میدهد: پولها را برای کمک به جنگ زدگان ارسال داشته ایم!

## لاهیجان - لا کوره

این روستا با حدود ۸۵ خانوار و ۴۰۰ نفر جمعیت در اطراف کلبه شهر (لاهیجان) قرار دارد. در سال گذشته محصول روستائیان این روستا به علت کم آبی سوخته بود و روستائیان از این رهگذر متضمن خسارات زیادی شدند. دهقانان تصمیم می گیرند برای جلوگیری از تکرار چنین فاجعه ای آب مورد احتیاج برای کشاورزی را از طریق حفر چاه عمیق تامین نمایند. برای اینکار ۴۰ نفر از روستائیان به اداره آبیاری رفته تا برای حفر چاه اقدام نمایند در ابتدای مراجعه هر کدام از روستائیان ۳۰۰ الی ۴۰۰ تومان برای این امر به اداره آبیاری پرداخت کرده بودند اما اخیرا اداره آبیاری به روستائیان میگوید: دولت بودجه کافی ندارد و حفر چاه، احتیاج به مهندس و برنامهریزی دارد و برای اینکار روستائیان باید ۴ هزار تومان بپردازند و هزینه چاه نیز ۱۰۰ الی ۲۰۰ هزار تومان است.

آری دولتی که تنها یک قلم ۱۶ میلیون تومانی (مراجعه شود به نشریه کار) برای تزئینات دفتر رئیس جمهور خرج میکند، برای رسیدگی به وضع کشاورزان بودجه ندارد. این است معنای طرفداری از "مستضعفین" در جمهوری اسلامی.

"حزب کمونیست مصر" را به انحلال کشاندند و فرمیست های شیلی که به حضور ژنرال پینوشه، جلاکاران و زحمتکشان شیلی در کابینه نیمه نظامی سالوادور آلنده چند ماهه پیوستن از کودتای خونین سپتامبر ۱۹۷۳ رای مثبت دادند؟ برآستی کدام یک زیننده تر برای "افتخار" حمل لقب "اسب تر وای امپریالیسم و ضد انقلاب" اند؟ از آنجا که یکی دیگر از ویژگیهای "پورتونیست ها و فرمیست ها، کودنی ذاتی شان در تحلیل رویدادها و نیز تحریف هر آنچه بوده است و شده است میباشد، ضروری می بینیم در اینجا به نمونه ای که فرمیست ها، در "استناد" به آن برای حمله به انقلابیون کمونیست، گوی سبقت را از یکدگر میزبانند نیز نظری بیافکنیم. تجربه شیلی از آن رودر خورتوجه است که حتی در مبارزاتی که هم اینک در درون جنبش کمونیستی مبین مان جاری است، این تجربه و مواضع متخذه از جانب "حزب کمونیست (بخوان فرمیست) شیلی" و "جنبش چپ انقلابی (میر) (MIR)" در قبال دولت سالوادور آلنده، جایگاه ویژه ای یافته است، و جویده های حزب فرمیست شیلی در باره "جنبش چپ انقلابی (میر)"، هم اینک (البته با تحریفی عظیم و با قلب حقایق تاریخی مربوط به رویدادهای دوران حکومت سالوادور آلنده) از جانب "حزب توده" و "گمیت مرکزی" منشعبین راست بر علیه انقلابیون کمونیست و بویژه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، مژه مژه میشود.

## چه کسانی "اسب تر وای امپریالیسم و ضد انقلاب" هستند؟

"خرد کردن فوری ماشین کهنه داری و آغاز فوری ساختمان ماشین نویسن بمتابه "وظیفه مستقیم نویسنی پرولتاریای انقلابی" (لنین: دولت و انقلاب)، گام بردارد. و حال با در نظر داشت این دو گرایش، میتوان مواضع کسانی را که نقش "اسب تر وای امپریالیسم و ضد انقلاب" را بعهده دارند بازشناخت. آیا برآستی این انقلابیون کمونیستند که چنین نقشی را بعهده دارند یا فرمیست ها که از کسب قدرت توسط پرولتاریا و از ارائه برنامه عمل انقلابی در راستای چنین کسب قدرتی چون "جن ازبسم الله" میهراسند. آیا این انقلابیون کمونیست، اسپار تا کیست های آلمان برهبری روز لوگزا میورگ، بلشویکها برهبری لنین، کمونیستهای ویتنام برهبری هوشی مین، انقلابیون کوبا برهبری فیدل اندکه نقش "اسب تر وای امپریالیسم و ضد انقلاب" را برعهده دارند یا فرمیست های اندونزی که مسئولیت کشتار یک میلیون کمونیست اندونزی را بزدوش دارند، و فرمیست های مصری که آنچنان سراسیمه در درگاه ناصربه خاک افتادند که حتی

بقیه از صفحه ۱۷  
آنها به رمیاری بسته شد و در دم به شهادت رسید. (از قرار معلوم تنظیم کننده صفحات ارگان سراسری منشعبین این بار واقعات ناشی گری کرده است!) می بینیم که این ساهه را پایانی نیست، و بقول رفیق لنین "از ویژگی های قرن بیستم یکی هم این است که اپورتونیسماش جنبه جهانی دارد". بیشتر هم گفتیم که، آنچه که درستیز درونی جنبش کارگری جهانی بروشنی قابل دیدن است - هر چند که اینجا و آنجا پوشش های متفاوتی بخود میگیرد و گاهی خود را با اینگونه می نمایاند که آیا در جنگی امپریالیستی یا ارتجاعی باید از بورژوازی "خود" حمایت کرد یا نه، و یا بصورت قبول یا رد ضرورت قهر در تحولات اجتماعی، و یا در شکلی دیگر در انکار یا پذیرفتن اعمال دیکتاتوری از جانب پرولتاریا پس از کسب قدرت، و سرآخردر ردی قبول "راه رشد غیر سرمایه داری"، همه و همه باز نتایج جدالی پیشینه دار از بر خورد و دیدگاه است که یکی برخاسته از خاستگاه خورده بورژوازی یا استوار بر "اشرافیت کارگری"، عاقبت طلب است و در طرح هر مقوله اجتماعی و حتی اخلاقی به بقای "نخبگان" خود به شرط و بهر قیمتی می اندیشد و دیگری با در نظر داشت منافع تاریخی - طبقاتی پرولتاریا، "حتی لحظه ای از این کار با ز نمی مانده که ذهن کارگران را در مورد تنها دخصمانه میان بورژوازی و پرولتاریا روشن تر سازد" (مارکس - انگلس: مانیفست کمونیست) و در راستای کسب قدرت و

# خبری از جنبش مقاومت خلق کرد

مربان

در تاریخ ۵۹/۱۲/۶ از سرکوبگران خلق کرد جهت به اصطلاح کسای یکی از روستاهای اطراف مربان بنا متازده آباد را محاصره می کنند. پیشمرگان سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومله) که در این روستا مستقر بودند به مقاومت می پردازند که منجر به شهادت یک پیشمرگ فداکار کومله بنا م کاک کریم نیک پی میشود (با دشگرا می باد) بلافاصله یک دسته از پیشمرگان فدائی نیز عده ای از پیشمرگان حزب دمکرات به کمک پیشمرگان کومله میشتابند و درگیری تا ساعت ۵ بعد از ظهر ادامه می یابد. مزدوران که با آتش سلاحهای سبک و سنگین پیشمرگان مواجه میشوند پا به فرار می گذارند. در این درگیری ۲۲ تن از مزدوران رژیم جمهوری اسلامی کشته و حدود ۱۵ تن زخمی میشوند.

## نامه عده ای از جوانان زحمتکش روستای شقویف (اطراف بوکان) به سازمان چریکهای فدائی خلق

بهترین سلام و درود انقلابی خود را به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می رسانیم. ما جوانان هوادار سازمان با تمام قدرت پشتیبانی خود را از این سازمان اعلام داشته و خواهیم که به یاری سازمان بتوانیم فعالیت خود را در ده شقویف بین زحمتکشان ادامه دهیم. بدینوسیله ما عده ای از جوانان این روستا می خواهیم شما و به همکاران مردم جوتیا روز زحمتکش این ده فعالیت خود را هر چه بیشتر ادامه داده و پیوند خود را با سازمان پرافتخار چریکهای فدائی مستحکم نماییم. ما جوانان هوادار سازمان در این روستا دستهای پر محبت پیشمرگان فدائی را از راههای دور دراز می فشاریم و آرزوی موفقیت برایشان می کنیم. پیروز باشید. درود بر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مستحکم باد پیوند زحمتکشان با فدائیان خلق. عده ای از جوانان ده شقویف (اطراف بوکان)

# اجرای عدالت به شیوه جمهوری اسلامی "گنه کرد در بلخ آملگری به شوستر زندگرددن مسگری"

فرض کنیم که این خانم کارمند اساسا مرتکب جنایتی شده باشد. آیا شیوه عدالت جمهوری اسلامی ایجاب می کند بجای اوشوهر، پدر، برادر، مادر و خواهرش مجازات شوند؟ آیا در هیچ کجای دنیا، مگر در میان قبایلی که هنوز در مرحله بربریت بصری برسد، و انتقامهای عشیرتی، قبیله ای و خانوادگی در میان آنها حاکم است، نمونه دیگری را سراغ دارید که همانند این احکام شما باشد؟ آیا خودسرانه ترازیک چنین احکامی ممکن است؟

سندی که ملاحظه می کنید اجراء عدالت اسلامی به شیوه رژیم جمهوری اسلامی را نشان می دهد! گویا خانم کارمندی ضوابط رژیم جمهوری اسلامی را رعایت نکرده است، اما آقای وزیر بمنظور تنبیه این خانم سه روز از حقوق شوهرش کسر کرده است. ما بدون اینکه وارد بحث مسئله عجاب اجباری و رعایت و یا عدم رعایت آن در این مورد شویم و بدون اینکه شناختی از این آقای خانم کارمند داشته باشیم از جناب وزیر و دیگر سردمداران رژیم جمهوری اسلامی می پرسیم:

وزارت کشاورزی و منابع طبیعی

پست  
۱۸۲-  
۱۳۸۰  
۵۹/۱۲/۱۵

به : اداره کل امور مالی  
از : دفتر خدمات ماشینی  
موضوع : تقاضای کسر سه روز حقوق آقای حمید رضا اشکان

"زنهاد و ادارات با وضع پیشین کاری کنند، زنها باید وضع خودشان را عوض کنند، البته کار در ادارات ممنوع نیست. اما باید زنطن یا حجاب اسلامی باشند"

امام خمینی - ۵۹/۱۲/۱۵  
باتوجه به مفاد بخشنامه شماره ۴۰۳۷۸/۰۱ مورخ ۵۹/۱۱/۲۳ مقام محترم وزارت کشاورزی و عمران روستاکی و بخشنامه شماره ۷۴۸ مورخ ۵۹/۱۱/۱۸ انجمن اسلامی وزارت کشاورزی و اطلاعیه تاریخ های ۵۹/۹/۳ و ۵۹/۸/۲۲ و مدیونیت دفتر خدمات ماشینی (پهوست) و تاکید های کتبی و شفاهی دیگر ضمنی بر حفظ حجاب اسلامی در محیط ادارات دولتی توسط خانمهای کارمند، خانم همایون رشک (کارمند بازرگاری این مرکز) رعایت این موضوع را ننموده اند. بنا به دستور مقام وزارت ۳ روز از حقوق اسفند ماه آقای حمید رضا اشکان کسر نماید.

به امید پیروزی قطعی انقلاب اسلامی ایران و استقرار ضوابط اسلامی در ادارات دولتی. محمد عنایتی

سرپرست دفتر خدمات ماشینی

چه کسانی "اسب تروای امپریالیسم و ضد انقلاب" هستند؟ (قسمت اول - صفحه ۱۷)

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر